

## یک شاهد چه کسی است؟

... در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. مرقس ۱۵: ۱۶



آیا تا به حال شهادی را در یک محاکمه قضایی (دادگاه) دیده اید؟ شاهد حقیقت را به قاضی می گوید. یک شاهد مسیحی آن حقیقتی را که در مورد عیسی می داند، برای دیگران بازگو می کند.

اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کرده اید، پس یک شاهد باشید. شما می توانید به دیگران بگویید که چطور آنها نیز می توانند به عیسی اعتماد کنند. نگین به دوستش، کامبیز گفت که خدا او را دوست دارد. او به کامبیز گفت که چطور خدا پسرش، یعنی عیسی را فرستاد تا برای گناهان کامبیز بر روی صلیب بمیرد و اینکه چطور دوباره عیسی زنده شد. امروز کامبیز تصمیم مهمی گرفت. او به عیسی اعتماد کرد تا گناهانش را ببخشد و نجات دهنده او باشد.

نگین یک شاهد است. او حقیقت را از کتاب مقدس می داند. عیسی گفت: “ من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید” (یوحنا ۱۴: ۶). نگین می خواهد تا بقیه مردم حقیقت را درباره عیسی بدانند. شما نیز می توانید یک شاهد باشید.

اول، مطمئن شوید که به عیسی به عنوان نجات دهنده تان از گناه اعتماد کرده اید. آنوقت می توانید به دیگران بگویید که عیسی کیست و اینکه او چطور به خاطر گناهان ایشان بر روی صلیب مرد. آنها را تشویق کنید تا به عیسی به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کنند.

اگر شما شاهد عیسی هستید، چه چیزی را می بایستی به دیگران بگویید؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا شاهد حقیقی تو باشم. در نام عیسی آمین



## چرا باید شهادت بدهیم؟

... در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. مرقس ۱۵: ۱۶



فرض کنید که مادر یا پدر تان به یک سفر طولانی می رود. آیا آخرین سخنان آنها را به خاطر می آورید؟

اگر آنها دستورات خاصی به شما داده باشند، آیا از آن دستورات اطاعت می کنید؟ درست پیش از اینکه عیسی، پسر خدا، این زمین را ترک کرده به آسمان برگردد، سخنانی به شاگردان خود گفت. سخنان او یک دستور بود. او گفت: "در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید" (مرقس ۱۵: ۱۶).

عیسی به شاگردانش گفت که بروند و درباره او با دیگران صحبت کنند. آیا فکر می کنید که شاگردان او این کار را انجام دادند؟ بله! ایشان از عیسی اطاعت کردند، چون او به آنها دستور داده بود. آنها از عیسی اطاعت کردند، چون او را دوست داشتند.

اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، حکم او برای شما نیز همین می باشد. وقتی که شما می روید و درباره عیسی با دیگران صحبت می کنید، به یک شاهد تبدیل می شوید. عیسی می خواهد تا شما بروید و به هر کسی که می توانید، بگویید عیسی چه کاری برای شما انجام داده است.

چرا باید شهادت بدهید؟

یکی از دلایل این است که خدا این موضوع را حکم کرده است. دلیل دیگر این است که شما عیسی را دوست دارید و می خواهید از او اطاعت نمایید. عیسی از شما می خواهد که بروید و با دیگران درباره او صحبت کنید.

آیا از حکم او اطاعت می کنید؟ آیا چون او را دوست دارید، شاهد او خواهید شد؟ آیا می توانید دو دلیل بیاورید که توضیح می دهد چرا مهم است

شاهد عیسی باشید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، تو را دوست دارم. می خواهم هر روز از تو اطاعت کنم. به من کمک کن تا از دستورات تو اطاعت کنم و بروم و با دیگران درباره تو صحبت کنم. در نام عیسی آمین.



## موقعی که شهادت میدهم، چه چیزی بگویم؟

... در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. مرقس ۱۵: ۱۶



آیا تا به حال خواسته اید با کسی درباره عیسی صحبت کنید، اما نمی دانستید چه بگویید؟

با صحبت کردن از خدا شروع کنید. او آفریننده ای است که ما را به شکل مخصوصی آفریده است. بگویید که خدا چقدر زیاد ما را دوست دارد و اینکه خدا کامل (بی نقص) است و در آسمان زندگی می کند. سپس درباره گناه صحبت کنید. وقتی ما از دستورات خدا سرپیچی می کنیم، گناه است.

کتاب مقدس می گوید: “ همه گناه کرده اند” (رومان ۳: ۲۳).

همه ما با یک “میل” به گناه کردن به دنیا آمده ایم. گناه مان، ما را از خدا جدا می سازد. روزی می آید که هر کسی که از خدا جدا است، برای همیشه در مکان بسیار وحشتناکی بنام جهنم مجازات خواهد شد. سپس از عیسی، یگانه پسر خدا صحبت کنید. بگویید که چطور عیسی، که کامل (بی گناه) بود بر روی صلیب مرد تا مجازات گناهان ما را متحمل شود. او دفن شد و سپس در روز سوم دوباره زنده شد. وقتی به عیسی ایمان می آورید (کاملاً اعتماد می کنید)، می توانید از مجازات گناه نجات یابید. بعداً می توانید پرسید: “ آیا مایلید امروز به عیسی ایمان بیاورید؟”

پیش از اینکه بتوانید به کسی بگویید که چطور به عیسی ایمان بیاورد، می بایستی خودتان مطمئن باشید که این کار را قبلاً انجام داده اید.

اگر هرگز به عیسی نگفته اید که ایمان دارید که او برای شما مرد، همین الان این کار را بکنید. آنوقت می توانید به دیگران بگویید که چطور به عیسی ایمان بیاورند، درست همانطور که شما به عیسی ایمان آورده اید!

چه چیزی می توانید درباره خدا، گناه و عیسی به دیگران بگویید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدا عزیز، متشکرم به خاطر این خبر خوش که می توانم به دیگران بگویم. اینکه تو آنها را دوست داری و اینکه چطور عیسی برای گناهان آنها مرد و دوباره زنده شد. در نام عیسی آمین.





## اگر از شهادت دادن بترسم، چی؟

... در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. مرقس ۱۵: ۱۶



کتاب مقدس درباره زمانی صحبت می کند که خدا ماموریت مخصوصی به رهبر قوم خود، موسی داد. ماموریت موسی این بود که پیغام خدا را به بزرگان قوم و به فرعون، پادشاه مصر بگوید. موسی نمی خواست این کار را انجام دهد. موسی می ترسید. او به خدا گفت: ”... همانا مرا تصدیق نخواهند کرد و سخن مرا نخواهند شنید. ..“ (خروج ۴: ۱).

آیا تا به حال احساسی مثل موسی داشته اید؟ خدا به شما ماموریت مخصوصی داده است. شما باید پیغام خدا را به دیگران بگویید. شما باید یک شاهد باشید. آیا شما نیز مانند موسی بهانه می گیرید؟ بهانه هایی مانند، ”می ترسم مردم به من گوش ندهند“، یا ”می ترسم چیز اشتباهی بگویم“، یا ”می ترسم مردم مرا مورد تمسخر قرار دهند.“ خدا به موسی گفت: ”... کیست که زبان به انسان داد، و گنگ و کر و بینا و نابینا را آفرید؟“

آیا نه من که بهوه هستم؟ پس الان برو و من با زبانت خواهم بود و هر آنچه باید بگویی، تو را خواهم آموخت“ (خروج ۴: ۱۱-۱۲). خدا همین وعده را نیز به شما می دهد. او کسی است که شما را آفرید. او با شما خواهد بود.

او کلماتی را که باید بگویید، به شما عطا خواهد کرد. شما نباید بترسید. به خدا اعتماد کنید تا به شما کمک کند که شاهد او باشید.

اگر می ترسید شهادت بدهید، چه کاری باید انجام بدهید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، وقتی می ترسم شهادت بدهم، به من کمک کن تا وعده های تو را که در کلامت نوشته ای، بیاد بیاورم و به من جرات بده تا درباره تو با دیگران صحبت کنم. در نام عیسی آمین.





## با چه کسی می توانم در مورد خدا صحبت کنم؟

... در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید.  
مرقس ۱۵: ۱۶



آیا آیه بالای این صفحه را خوانده اید؟ آیه می گوید که ما باید به تمامی نقاط دنیا برویم و خبر خوش عیسی را به همه بگوییم. خدا شما را در یک نقطه مخصوص از دنیای خود قرار داد.

او می خواهد شما همین الان در هر جایی که هستید، شاهد او باشید.

به کسانی فکر کنید که در اطراف شما زندگی می کنند و عیسی را نمی شناسند. آنها می توانند دوستان شما در مدرسه یا در همسایگی تان باشند.

شاید آنها برادر یا خواهر یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ تان باشند. شاید پدر یا مادر تان نیاز دارند که از عیسی بشنوند.

آیا می دانید که ممکن است خدا می خواهد شما همان کسی باشید که درباره او با آنها صحبت کنید. حتی شاید او می خواهد شما با کسی که نسبت به شما رفتار ظالمانه ای داشته است، درباره خدا صحبت کنید.

این امر، کار آسانی نخواهد بود، آیا این کار ساده ای است؟

خدا وعده نداده که شاهد او بودن، آسان می باشد، اما او وعده داده است که همیشه با شما خواهد بود. او وعده داده است که به شما کمک خواهد کرد تا بدانید چه بگویید.

خدا افرادی را در زندگی شما وارد می کند که به شنیدن در مورد خدا نیاز دارند. او می خواهد به شما کمک کند تا برای کسانی که هر روز ملاقات می کنید، یک شاهد باشید.

سه نفر که می توانید با آنها درباره خدا صحبت کنید را نام ببرید.



---

### می توانید اینطوری دعا کنید :

خدای عزیز، من برای این سه شخص دعا می کنم. به من جرات بده و سخنانی عطا کن تا درباره تو با آنها صحبت کنم. در نام عیسی آمین.





## کجا می توانم شهادت دهم؟

... در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. مرقس ۱۵: ۱۶



منصور از اتوبوس مدرسه متفر بود، چون نادر هم همان اتوبوس را سوار می شد. نادر یک پسر قوی بود.

او همیشه مخصوصاً برای منصور درد سر درست می کرد. منصور درباره این موضوع با مادر خود صحبت کرد. مادر منصور پیشنهاد کرد که در این مورد دعا کنند.

پس از چند وقت، مادر منصور از منصور پرسید که آیا علاقه مند است که در منزل شان جلسه کانون شادی داشته باشند؟ منصور از این ایده استقبال کرد. آنوقت مادرش پیشنهاد کرد که نادر را نیز دعوت کنند. او به منصور گفت که دعا کند و از خدا بپرسد که چه کاری باید انجام دهد.

منصور دعا کرد. او می دانست که خدا از او می خواهد چه کاری انجام دهد. منصور از خدا خواست تا به او جرات دهد تا در اتوبوس با نادر درباره خدا صحبت کند.

یکروز خدا این شجاعت را به منصور داد. منصور به نادر گفت که چطور عیسی را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفت. آنوقت او نادر را به کانون شادی دعوت کرد.

فکر می کنید در اولین روز کانون شادی چه کسی آمده بود؟

نادر! نادر در همان روز عیسی را به عنوان نجات دهنده خود قبول کرد. شما نیز مانند منصور می توانید در راه مدرسه، شاهد عیسی باشید.

شاید در زمان زنگ تفریح بتوانید خبر خوش را به یکی از دوستان تان بدهید. شاید بتوانید در منزل خودتان شاهد عیسی باشید. آیا می توانید به جاهای دیگری فکر کنید که می توانید در آنجا نیز شاهد عیسی باشید.

سه مکان را که می توانید در آنجا شاهد عیسی باشید، نام ببرید.



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا جاهایی را بیابم که می توانم در آنجا شاهد عیسی باشم، آنوقت به من کمک کن تا درباره تو در آنجا صحبت کنم. در نام عیسی آمین.





## آیا در کتاب مقدس نیز نمونه مردمی که به عیسی شهادت دادند را می بینیم؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱:

۱۲)



اینجا یک امتحان برای شما داریم: چه کسانی را در کتاب مقدس سراغ دارید که شاهد عیسی بودند؟ آنها چه حرف هایی زدند؟ به کجا رفتند تا در آنجا شاهد عیسی باشند؟ چه کسانی در کتاب مقدس شاهد عیسی بودند؟ خدا از افرادی که درست مثل شما بودند، استفاده کرد. خدا از یک زن جوان خدمتکار استفاده کرد تا درباره خدا با ارباب خود صحبت کند. شاید او حتی هم سن شما بود. آیا این مسئله تشویق کننده نیست؟

اگر مایل باشید خدا از شما نیز استفاده خواهد کرد. کتاب مقدس درباره یک مرد کور، چند تن از پیروان عیسی و دو زندانی صحبت می کند که شاهدان عیسی بودند.

کتاب مقدس می گوید که شاهدان چه حرف هایی زدند؟

شاید فکر می کنید آنها از کلمات پیچیده و دشوار استفاده کردند. نه!

آنها فقط آنچه را که درباره عیسی می دانستند، به دیگران گفتند. یکی از این مردان به نام پولس به شخصی گفت: “... به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت” (اعمال ۳۱: ۱۶).

از خدا بخواهید تا به شما کلماتی را عطا کند که بتوانید در مورد او با دیگران صحبت کنید.

آنها در چه جاهایی به عیسی شهادت دادند؟

هر جایی که خدا آنها را قرار می داد، شاهد عیسی بودند. یکی از آنها در کشور دیگری غیر از مملکت خودش، شاهد عیسی بود و یکی در کشور خودش شاهد عیسی بود.

فکر می کنید چرا خدا از افرادی مثل شما استفاده می کند تا شاهدان

او باشید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

متشکرم ای خداوند که مایلی از من استفاده نمایی تا شاهد تو باشم. در

نام عیسی آمین.





## آیا باید برای افرادی که بر من اقتدار و تسلط دارند، شهادت دهم؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد.  
(یوحنا: ۱۲)



در باب ۵ کتاب دوم پادشاهان کتاب مقدس، درباره یک سرهنگ ارتش به نام نعمان صحبت می‌کند. او بیماری بسیار بدی داشت که هیچ کس نمی‌توانست آن را شفا دهد. همچنین او خدای زنده حقیقی را نمی‌شناخت.

نعمان وارد جنگ شد. یک دختر جوان اسیر شد و به خانه او آورده شد تا به عنوان خدمتکار در آنجا کار کند. این دختر جوان، خدای زنده حقیقی را می‌شناخت. او از بیماری نعمان مطلع شد. دختر می‌دانست که خدای او می‌توانست به نعمان کمک کند. دختر جوان با شجاعت با زن نعمان درباره خدای زنده حقیقی صحبت کرد. او مودبانه درباره یکی از انبیا خدا بنام الیشع صحبت کرد. دختر می‌دانست که الیشع می‌توانست به نعمان بگوید که چطور می‌تواند به وسیله قوت خداوند شفا یابد.

نعمان رفت تا الیشع را ببیند و از او شنید که چگونه می‌تواند شفا یابد. نعمان از دستورات الیشع پیروی کرد. خدا بیماری نعمان را شفا داد! آنوقت نعمان به خدای زنده حقیقی ایمان آورد.

آیا این موضوع که دختر خدمتکار به شخصی که بر او اقتدار و تسلط داشت، شهادت دهد، ترسناک بود؟ احتمالاً این عمل، کار مشکل و ترسناکی بود! اما خدا به او شجاعت داد. آیا کسانی وجود دارند که بر شما اقتدار و تسلط دارند و نیاز دارند تا درباره عیسی بشنوند؟

شاید معلم یا والدین شما جز این دسته از افراد باشند. وقتی با آنها درباره عیسی صحبت می‌کنید، مودب باشید و محترمانه صحبت کنید. خدا به شما شجاعت لازم را خواهد داد!

چطور می‌توانید جرات بیابید تا به کسانی که بر شما تسلط و اقتدار دارند، عیسی را شهادت دهید؟



### می‌توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، باشد که سخنان و اعمال من شاهد بر این باشد که تو بر من اقتدار و تسلط داری. در نام عیسی آمین.





## آیا خدا افراد مشخصی را در نظر دارد که به شهادت شما گوش دهند؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱: ۱۲)



فیلیپس خدا را دوست داشت و درباره او با دیگران صحبت می کرد. کتاب مقدس می گوید که روزی فرشته ای با فیلیپس صحبت کرد. فرشته به او گفت که به مکان مشخصی در یک جاده بیابانی برود.

فیلیپس از دستور فرشته اطاعت کرد. مرد دیگری نیز در همان جاده سفر می کرد. این مسافر از کشور اتیوپی بود. او مرد مهمی در کشور خود بود. او مسئول خزانه ملکه اتیوپی بود. این مرد می خواست خدا را بشناسد و بپرستد. خدا ترتیبی داد تا فیلیپس و آن مرد همدیگر را در آن جاده بیابانی ملاقات کنند.

فیلیپس شنید که آن مرد، کلام خدا را می خواند. او وعده های عهد عتیق درباره عیسی را می خواند. فیلیپس از او پرسید که آیا آنچه را که می خواند، می فهمد؟ مرد اتیوپیایی گفت: "... چگونه می توانم؟ مگر آنکه کسی مرا هدایت کند..." (اعمال ۸: ۳۱) فیلیپس به مرد گفت که عیسی کیست. او به مرد گفت که چطور عیسی برای گناه انسان ها روی صلیب مرد و بعد از سه روز دوباره زنده شد. مرد اتیوپیایی در همان روز به عیسی ایمان آورد. فیلیپس شاهد خوبی بود. او از خدا اطاعت کرد. خدا کسی را آماده کرده بود تا به فیلیپس گوش دهد.

ممکن است خدا کسی را آماده کرده باشد تا به شما نیز گوش دهد. شاید آن شخص یکی از اعضای خانواده خود شما باشد. شاید یکی از دوستان شما باشد که نیاز دارد با او درباره عیسی صحبت کنید. شاید او کسی است که شما هرگز او را ملاقات نکرده اید. آیا آماده و راغب هستید به جایی بروید که خدا شما را می فرستد تا با کسی درباره خدا صحبت کنید.

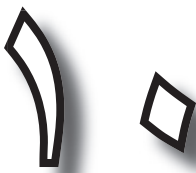
فکر می کنید خدا چه کسی را آماده می سازد تا با او صحبت کنید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز باشد که من همیشه آماده باشم تا با هر کسی، در هر جایی و در هر زمانی درباره تو صحبت کنم. در نام عیسی. آمین.





## چگونه می توان در موقعیت های دشوار شاهد عیسی باشیم؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱: ۱۲)



احتمالا جمعیت عصبانی که در آن روز به پولس و سیلاس حمله کرده بودند، فریاد می زدند: “ایشان را به زندان بیافکنید” مامورین دستور دادند تا آنها را با چوب دستی مورد ضرب و شتم قرار بدهند. درحالی که پشت کمرهای شان زخمی و خونی بود، آنها را به زندان افکندند. چقدر آسان بود که آنها در آن زندان تاریک، لب به شکایت و گلایه بکشایند، اما این کار را نکردند.

کتاب مقدس می گوید که پولس و سیلاس شروع به دعا کردن و خواندن سرودهای روحانی به نزد خدا کردند. بقیه زندانیان و زندانبانان صدای آنها را شنیدند. پولس و سیلاس در آن موقعیت دشوار برای افرادی که در اطراف شان بودند، شاهد عیسی بودند. این واقعه در نیمه های شب اتفاق افتاد. ناگهان زمین لرزه ای درهای زندان را تکان داد و آنها را باز کرد. زندانبان فکر کرد که پولس و سیلاس از زندان گریخته اند و وحشت زده شد. او تصمیم گرفت خود را بکشد، اما پولس او را صدا زد. زندانبان پرسید چه کار کنم تا نجات یابم؟ پولس و سیلاس از زندگی شان به او و دیگران شهادت دادند. در آن شب زندانبان و خانواده اش به عیسی مسیح ایمان آوردند (اعمال ۱۶: ۲۵-۳۱).

آیا شما نیز تا بحال در زندگی خود در موقعیت دشواری قرار گرفته اید؟ بیاد بیاورید که پولس و سیلاس چه کار کردند. آنها دعا کرده و خدا را پرستیدند. طرز فکر درست آنها شهادتی برای اطرافیان ایشان شد. طرز فکر شما چگونه است؟ آیا شما به خدا اجازه می دهید تا از شما استفاده نماید که در زمان سختی، شاهد او باشید.

خدا چطور می تواند از شما استفاده کند تا در زمان سختی شاهد او باشید؟



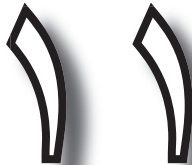
---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا با طرز فکر درستم، بتوانم شاهد خوبی برای تو باشم. در نام عیسی. آمین



## آیا باید برای برادران و خواهرانم نیز شاهد عیسی باشم؟



و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱:

۱۲)



مسعود در یک خانواده بزرگ به دنیا آمد. او چهار برادر و دو خواهر داشت. خانواده آنها هرگز به کلیسا نرفت. یكروز آقای رودباری، مسعود را به يك كلاس كانون شادی در خانه اش دعوت كرد. مسعود برای اولین بار آنجا بود که از عیسی شنید و به عیسی به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورد.

هفته بعد معلم كانون شادی درباره مردی در کتاب مقدس بنام آندریاس، با بچه ها صحبت کرد. آندریاس ایمان داشت که عیسی نجات دهنده ای است که خدا وعده داده بود تا به جهان بفرستد.

آندریاس برادرش را نزد عیسی آورد. معلم گفت که آندریاس شاهد عیسی بود. مسعود هم می خواست مانند آندریاس باشد. او به برادرانش فکر کرد. هفته بعد او چهار برادرش را به كانون شادی آورد. او می خواست که آنها نیز از عیسی بشنوند. هفته بعد او خواهران خود را نیز به كانون شادی آورد! آندریاس شاهد عیسی بود. مسعود نیز شاهد عیسی بود.

شما چه؟ آیا شما نیز برادران و خواهرانی دارید که نیاز دارند درباره عیسی بدانند؟ هر چند بعضی اوقات بسیار مشکل است که با یکی از اعضای خانواده درباره خدا صحبت کرد، اما خدا می تواند به شما کمک کند تا بتوانید این کار را انجام دهید. شاید هیچ كانون شادی در همسایگی شما وجود نداشته باشد، اما می توانید به آنها بگویید که عیسی چه کاری برای شما انجام داده است. خدا می خواهد که شما شاهد او باشید.

راه های مختلفی که می توانید به برادران و خواهران تان در مورد

عیسی شهادت دهید را نام ببرید.

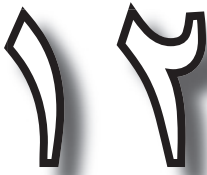


---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا مثل آندریاس باشم. به من نشان بده که چطور برای برادر یا خواهرم، شاهد عیسی باشم. در نام عیسی. آمین





## چطور مکالمه درباره خدا را شروع کنم؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱:

۱۲)



در روزگار عیسی همه مردم آب آشامیدنی را از چاه تهیه می کردند. کتاب مقدس درباره زنی از اهالی سامره صحبت می کند که برای تهیه آب به سر چاه آمده بود. عیسی خداوند شروع به صحبت کردن با او نمود. او از زن خواست که به او جرعه ای آب برای نوشیدن بدهد. آنها درباره "آب زنده" صحبت کردند. عیسی به زن گفت که او "آب زنده" است و اینکه او کسی است که می تواند گناهان زن را ببخشد (یوحنا ۴: ۷-۱۵).

ما درباره نحوه شهادت دادن چه نکاتی می توانیم از عیسی مسیح یاد بگیریم؟ او به ما نشان داد که هر روزه به دنبال فرصتی باشیم تا درباره او با مردم صحبت کنیم. همچنین عیسی از چیزهایی که زن درباره آنها صحبت می کرد، استفاده نمود و مکالمه ای را با او درباره مسایل روحانی آغاز کرد. شما نیز می توانید همین کار را انجام دهید. شاید یکی از دوستان تان در مدرسه به شما بگوید که والدین او می خواهند از یکدیگر طلاق بگیرند. در این مورد شما می توانید یک شنونده خوب باشید. آنوقت در زمان مناسب می توانید به او بگویید که عیسی او را دوست دارد و برای او اهمیت قائل است. شاید یکی دیگر از دوستان شما بخواهد که او را در انجام کار اشتباهی همراهی کنید، برای مثال چیزی را از یک فروشگاه بدزدید یا فیلم مبتذلی را تماشا کنید. اینجا نیز می تواند فرصتی مناسب برای شما باشد که به او بگویید که چرا این کارها را انجام نمی دهید.

بعد درباره عیسی با او صحبت کنید. خدا هر روزه فرصتی به شما می دهد تا درباره او با دیگران صحبت کنید. این فرصت ها را از دست ندهید!

درباره فرصت هایی که هر روز می توانید از آنها استفاده کرده و با کسی درباره عیسی صحبت کنید، چند جمله بنویسید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که فرصت می دهی تا درباره تو با دیگران صحبت کنم. در نام عیسی. آمین



## آیا برای اینکه شاهد عیسی باشیم، باید چیزهای زیادی بدانم؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان  
خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱:

(۱۲)



کتاب مقدس درباره مردی به ما می گوید که از زمان تولد کور بود. وقتی عیسی از کنار او رد می شد، خم شد و از خاک و آب دهانش گل ساخت. عیسی گل را به چشمان مرد کور مالید.

سپس عیسی به مرد گفت که برود و چشمان خود را بشوید.

مرد کور فوراً رفت و چشمان خود را شست و وقتی که برگشت، می توانست ببیند!  
رهبان دینی که فریسی نامیده می شدند، از آنچه اتفاق افتاده بود، خوشحال نبودند.

آنها حتی عیسی را گناهکار نامیدند، زیرا او مرد کور را در روز سبت (روز استراحت) شفا داده بود.

مردی که کور بود گفت: “اگر گناهکار است نمی دانم. یک چیز می دانم که کور بودم  
و الان بینا شده ام” (یوحنا ۹: ۲۵).

این مرد چیز زیادی درباره عیسی نمی دانست، اما او مشتاقانه به دیگران گفت که آنچه  
که عیسی برایش انجام داده است را می داند. او می دانست عیسی چه کاری برایش  
انجام داده است. شما چطور؟

شاید شما فکر می کنید که نمی توانید شاهد عیسی باشید، چون چیز زیادی درباره او  
نمی دانید.

اگر عیسی خداوند زندگی شما را تغییر داده است، پس شما نیز چیزهای زیادی دارید  
که به دیگران بگویید.

به دیگران بگویید که عیسی چه کاری برای شما انجام داده است!

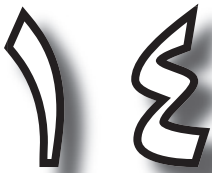
آن چیزی که عیسی برای شما انجام داده است را شرح دهید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا مایل باشم تا آن چیزی که درباره تو می  
دانم را به دیگران بگویم. در نام عیسی. آمین





## آیا همه کسانی که با آنها درباره خدا صحبت می کنم، ایمان می آورند؟

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا: ۱۲)



این داستان های حقیقی از یک مرد در کتاب مقدس به نام پولس و پسری در اصفهان بنام نادر می باشد. کتاب مقدس می گوید پولس به هر جا که می رفت شاهد عیسی بود. اما همه کسانی که او درباره عیسی با آنها صحبت کرد، به عیسی ایمان نیاوردند. یکبار پولس با پادشاهی به نام آگریپا درباره عیسی صحبت کرد. پس از اینکه آگریپا به حرف های پولس گوش داد، گفت: “آیا به این زودی می خواهی مرا متقاعد کنی که مسیحی بشوم؟” (اعمال: ۲۸: ۲۶).

هیچ مدرک ثبت شده ای وجود ندارد که نشان دهد پادشاه آگریپا مسیحی شده باشد. نادر یک پسر بچه ۸ساله است. او می خواهد به هر کجا که می رود، شاهد عیسی باشد. یکروز او در مدرسه با دوستی درباره عیسی صحبت کرد. دوست او برای مدتی به حرف هایش گوش داد. آنوقت او به نادر گفت که عیسی تنها نقش بازی می کرد و از نادر دور شد. نادر دلسرد شد. پدر نادر به او گفت تمام آنچه که خدا از او می خواهد این است که درباره حقایق مربوط به عیسی با دیگران صحبت کند. دیگران می بایستی خودشان تصمیم بگیرند که آیا عیسی را به عنوان نجات دهنده بپذیرند یا او را رد کنند.

آیا هرگز از اینکه شاهد عیسی بوده اید، دلسرد شده اید؟

آیا مردم بدون توجه به حرف های تان از شما دور شده اند؟ بیاد داشته باشید همه کسانی که شما با آنها درباره عیسی صحبت می کنید، ایمان نخواهند آورد. اما خدا می خواهد که شما به صحبت کردن درباره او ادامه بدهید. هرگز از این کار دست نکشید. به خدا توکل کنید و شاهد امین (وفادار) او باشید.

وقتی که در شهادت دادن برای عیسی دلسرد می شوید، چه چیزی را باید به یاد آورید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا شاهد وفاداری باشم، هر چند که دیگران از ایمان آوردن به تو امتناع می ورزند. در نام عیسی. آمین



## کتاب بدون کلام چیست؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان ۵: ۸)



آیا تا به حال کتاب بدون کلام را دیده اید؟ این کتاب هیچ کلمه یا هیچ عکسی ندارد. این کتاب پنج رنگ دارد. این رنگ ها عبارتند از طلایی، سیاه، قرمز، سفید و سبز. هر کدام از این رنگ ها یک قسمت مخصوص از پیام انجیل یا همان خبر خوش عیسی مسیح را بازگو می کند.

مبشرین (مسیحیانی که زندگی خود را وقف در میان گذاشتن خبر خوش عیسی با دیگران نموده اند) در خیلی از کشورها برای در میان گذاشتن پیام انجیل با بسیاری از مردم از کتاب بدون کلام استفاده کرده اند. چندین سال پیش یک مبشر به کشوری رفت که در آنجا صحبت درباره عیسی با دیگران مشکل بود. در آن کشور افرادی وجود داشتند که از مسیحیان متنفر بودند. یکروز سربازان به خانه مبشرین حمله کردند. آنها تمام وسایل مذهبی و کتاب مقدس های او را جمع کرده و سوزاندند. او تمام آنچه را که داشت، از دست داد. تقریباً همه چیز را از دست داد. اما او چند کتاب بدون کلام داشت. سربازان یکی از کتاب های بدون کلام را برداشته و نگاه کردند. سپس آن کتاب ها را همان جا رها کردند. چون این کتاب ها هیچ کلمه ای نداشتند، سربازان فکر کردند که این کتاب ها مهم نیستند. آنها هیچ کدام از کتاب های بدون کلام را نسوزاندند! آنها نمی دانستند که این کتاب های بدون کلام چه کتاب های مخصوصی بودند! از کتاب بدون کلام برای گفتن خبر خوش عیسی به بسیاری از مردم استفاده شده است. شما می توانید از این کتاب استفاده کنید تا درباره عیسی به دیگران شهادت دهید.

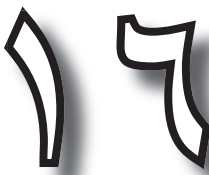
در درس های بعدی یاد خواهید گرفت که چگونه از کتاب بدون کلام استفاده کنید. سه نفر را نام ببرید که نیاز دارند تا پیام کتاب بدون کلام را بشنوند.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا بتوانم پیام کتاب بدون کلام را یاد بگیرم و بتوانم آن را با این سه نفر در میان بگذارم. در نام عیسی. آمین





## در صفحه طلایی چه چیزی می توانم درباره خدا بگویم؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان ۵:

۸)



هر کدام از پنج رنگ کتاب بدون کلام، یک قسمت مخصوص از پیام انجیل را بیان می کند.

ما با صفحه طلایی شروع می کنیم. شما می توانید از این صفحه استفاده کنید تا درباره خدا با یک دوست صحبت کنید:

“ این صفحه طلایی مرا بیاد مکان با یک خیابان طلایی می اندازد. این مکان بهشت نامیده می شود. بهشت، خانه خداست. خدا آفریننده این جهان است. او آسمان، درختان، گل ها، پرندگان و حیوانات را آفرید.

خدا همه چیز را آفرید، او شما را نیز آفرید. خدا شما را دوست دارد.

کتاب مقدس می گوید: “زیرا جهان را اینقدر محبت نمود” (یوحنا ۳: ۱۶).

این بدین معنا است که خدا شما را دوست دارد. آیا این موضوع یک خبر خوش نیست؟ چون خدا شما را آفرید و شما را دوست دارد، می خواهد که شما عضوی از خانواده او باشید و روزی با او در آسمان (بهشت) باشید.

آسمان (بهشت)، یک جای عالی (بدون نقص) است، خدا نیز عالی (بدون نقص و گناه) است.

یعنی خدا هرگز کار اشتباهی انجام نداده، هرگز فکر اشتباهی نکرده و هرگز سخن اشتباهی نگفته است. خدا می خواهد که روزی با او در آسمان (بهشت) باشید، اما یک چیز وجود دارد که هرگز در آسمان (بهشت) وجود نخواهد داشت و آن چیز گناه است. این اولین قسمت پیغامی است که می توانید با دیگران در میان بگذارید. پیام صفحه طلایی را با صدای بلند آنقدر تکرار کنید که بتوانید آن را به راحتی بگویید.

سه نکته ای که می توانید از صفحه طلایی درباره خدا به یک دوست

بگویید را بنویسید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که مرا دوست داری. به من کمک کن تا بوسیله صفحه طلایی کتاب بدون کلام، درباره محبت تو با دیگران صحبت کنم.

در نام عیسی. آمین





## در صفحه تاریک چه چیزی درباره گناه می توانم بگویم؟



لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان ۵:

۸)



بسیاری از پسرها و دخترهای محله شما، نمی دانند خدا کیست. آنها نمی دانند که خدا آنها را آفریده است و آنها را دوست دارد و نقشه مخصوصی برای زندگی آنها دارد. شاید هیچ کس به آنها نگفته است که کارهای اشتباهی که انجام می دهند، گناه نامیده می شود و خدا از گناه متنفر است.

صفحه تاریک کتاب بدون کلام خود را باز کنید. اینها نکته های مهمی هستند که می توانید درباره گناه به دوستان تان بگویید:

گناه چیزی است که شما انجام می دهید، می اندیشید یا می گوئید که باعث ناخشنودی خدا می شود. دروغ گفتن، دزدی کردن، ناطاعتی کردن از والدین چیزهایی هستند که خدا آنها را گناه می نامد.

طرز فکر بد داشتن، گفتن سخنان ظالمانه، سخنان ناشی از عصبانیت یا از بین بردن اموال دیگران نیز گناه نامیده می شود.

کلام خدا می گوید: "همه گناه کرده اند (رومیان ۳: ۲۳). یعنی من و شما گناه کرده ایم. شما با یک "میل" ارتکاب به گناه، به دنیا آمده اید.

خدا می گوید که گناه می بایستی مجازات شود. این مجازات، جدا شدن ابدی از خدا در یک مکان وحشتناک تاریکی و عذاب می باشد.

اما خدا نقشه شگفت انگیزی دارد تا شما بخاطر گناهان تان مجازات نشوید.

مطمئن شوید که گفتن این قسمت از پیام را تمرین کنید تا بتوانید آن را به یک دوست بگویید.

سه چیزی که خدا درباره گناه به ما می گوید را نام ببرید.

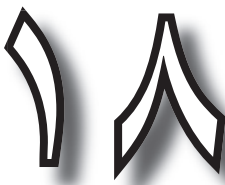


---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، کمک کن تا جدی بودن خطر گناه را درک کنم. کمک کن تا بتوانم درباره گناه به دیگران توضیح دهم. در نام عیسی. آمین





## در صفحه قرمز چه چیزی درباره عیسی می توانم بگویم؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان 5:

8)



صفحه قرمز کتاب بدون کلام، درباره عیسی خداوند، پسر عالی (بدون گناه) خدا و اینکه او چه کاری کرد تا گناهان ما بخشیده شود، صحبت می کند. می توانید این حقایق را به دوست تان بگویید: “خدا شما و من را اینقدر دوست داشت که نخواست از او جدا شویم. در نقشه عالی خدا، او پسر یگانه اش، یعنی عیسی مسیح خداوند را فرستاد تا در این کره خاکی متولد شود.

عیسی بدون گناه زندگی کرد. او هرگز گناه نکرد. وقتی او رشد کرده و تبدیل به مردی شد، اجازه داد تا مردان شریک او را بر روی یک صلیب چوبی بکشند. این صفحه قرمز به ما یاد آوری می کند که عیسی بر روی صلیب رنج کشید و خودش بر روی صلیب ریخت و او مرد.

عیسی بر روی صلیب مجازاتی که من و شما بخاطر گناهان مان مستحق آن بودیم را متحمل شد.

کتاب مقدس می گوید: “... همه چیز به وسیله خون پاک می گردد و بدون ریختن خون، هیچ گناهی پاک نمی گردد” (عبرانیان 9: 22).

پس از اینکه عیسی مرد، او را دفن کردند. اما عیسی، پسر قادر مطلق خدا، مرده باقی نماند. در روز سوم عیسی از مردگان قیام کرده و دوباره زنده شد.

الان عیسی در آسمان (بهشت) زنده است. به خاطر کاری که عیسی برای شما انجام داده است، گناهان تان می تواند بخشیده شود.”

بایستی گفتن حقایق صفحه قرمز را تمرین کنید، تا بتوانید درباره نقشه شگفت انگیز خدا برای بخشش گناهان دوستان تان با آنها صحبت کنید.

خدا چگونه محبتش را به ما نشان داد؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا پیام صفحه قرمز را یاد بگیرم که بتوانم به دیگران بگویم که عیسی چه کاری برای آنها انجام داده است. در نام عیسی. آمین.



## چطور از صفحه پاک استفاده کنم تا به دیگران کمک کنم به عیسی ایمان بیاورند؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان 5:



(8

عیسی قدرت دارد تا گناه را ببخشد. این خبر خوش انجیل است که شما می توانید در صفحه پاک آن را با دیگران در میان بگذارید. “... به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت” (اعمال 16: 31) برای توضیح این آیه، سه کلمه کلیدی را به یاد آورید:

پذیرفتن، ایمان آوردن و انتخاب کردن. می توانید این حقایق را بازگو کنید: “این آیه (اعمال 16: 31 را بخوانید) به این مفهوم است که گناهکاری را لازم است به خدا بگویید که به عیسی، یعنی کسی که برای شما مرد و دوباره زنده شد، ایمان دارید (کاملاً اعتماد دارید).

سپس باید تصمیم بگیرید (انتخاب کنید) که اجازه دهید عیسی مسیح نجات دهنده شما از گناه باشد.

وقتی این کار را انجام می دهید، عیسی خداوند وعده می دهد که گناهان تان را خواهد بخشید و روزی شما به آسمان (بهشت) خواهید رفت تا با او باشید.

آیا مایلید به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید؟ اگر دوست تان بگوید: “بله”، می توانید به او کمک کنید تا درست همانطور که شما قبلاً دعا کرده اید، او نیز دعا کند.

اگر بگوید: “نه”، یا بگوید: باید درباره اش فکر کنم، ناامید نشوید. برای او دعا کنید و بیاد داشته باشید که خدا از شهادت وفادارانه شما خشنود است.

پیام صفحه پاک را تمرین کنید تا بتوانید به دوست تان کمک کنید تا به عیسی ایمان بیاورد.

شخص نجات نیافته لازم است چه کاری انجام دهد تا از گناه نجات

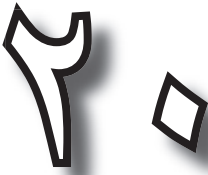
یابد؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن که پیام صفحه پاک را یاد بگیرم تا به شخص دیگری کمک کنم به عیسی ایمان بیاورد. در نام عیسی. آمین





## چطور می توانم به کسی کمک کنم تا بفهمد که نجات یافته است؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان ۵:

۸)



آیا تا بحال کسی به شما قولی داده است که در لحظه آخر نتوانسته به آن وفا نماید؟ خدای ما هرگز قول خود را نمی شکند. او به تمامی وعده های خود وفا می کند! آیه ای که در صفحه پاک با دوست تان در میان گذاشتید، اعمال ۱۶: ۳۱ بود. آیا این آیه را بیاد می آورید؟ این آیه یکی از وعده های خدا است. اگر دوست تان به عیسی مسیح خداوند به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کرده است، پس خدا این وعده را به او داده است.

خدا در اعمال ۱۶: ۳۱ وعده می دهد که دوست شما نجات یافته است. نجات یافته است، بدین معنا است که خدا گنااهش را بخشیده است. خدا به واسطه روح القدس در قلب دوست شما زندگی می کند و به او کمک می کند تا همیشه با عیسی باشد.

این وعده ای است که هرگز شکسته نمی شود. وعده دیگری نیز وجود دارد که می توانید آن را با دوست تان در میان بگذارید.

این وعده در عبرانیان ۵: ۱۳ یافت می شود. عیسی می گوید: "... هرگز تو را رها نکنم..."

عیسی وعده می دهد که همیشه با تو است.

می توانید هر زمان و در هر مکانی با او صحبت کنید. او به شما قدرت می دهد تا آنچه را که درست است، انجام دهید. شما می توانید به خدا اعتماد کنید که به وعده اش وفا می کند!

چه چیزی می توانید به دوست تان بگویید تا بداند که نجات یافته

است؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خداوند، متشکرم که به تمامی وعده هایت وفا می کنی! در نام عیسی.

آمین





## چطور می توانم به کسی کمک کنم تا در مسیح رشد کند؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومیان ۵:

(۸)



اگر دوست تان از عیسی خواست که گناهانش را ببخشد و نجات دهنده اش باشد، لازم است که در خانواده خدا نیز رشد کند. این همان چیزی است که شما می توانید با کمک صفحه سبز کتاب بدون کلام با دوست تان در مورد آن صحبت کنید. “این صفحه سبز مرا به یاد چیزهایی می اندازد که رشد می کنند، چیزهایی مانند سبزه، گل و درخت. حالا که شما عضوی از خانواده خدا شده اید، خدا از شما می خواهد که بوسیله شناخت بیشتر او، رشد کنید. شما قدرت و قوت او را دارید تا آن چیزی که درست است را انجام دهید. وقتی عملی انجام می دهید که گناه است، خدا در کتاب مقدس به شما می گوید که لازم است چه کاری در مورد آن انجام دهید. او می گوید: “اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد” (یوحنا ۱: ۹).

“اعتراف”، یعنی به زبان آوردن گناهان تان و توافق با خدا مبنی بر اینکه شما کار اشتباهی انجام داده اید. او شما را خواهد بخشید، چون او این وعده را داده است. از او بخواهید تا به شما قوت و قدرت دهد تا از او اطاعت نموده و آنچه که درست است را انجام دهید. چهار چیز وجود دارد که می توانید با انجام آنها، درباره عیسی خداوند بیشتر یاد بگیرید.

هر روز دعا کنید (با خدا صحبت کنید).

- هر روز کتاب مقدس بخوانید و از آن اطاعت کنید.

- با صحبت در مورد کاری که عیسی برای شما انجام داده است، شاهد عیسی باشید.

- به کلیسا و کانون شادی بروید.

چطور می توانید به شخصی کمک کنید تا در مسیح رشد کند، چند

مورد را نام ببرید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا یاد بگیرم که چگونه از صفحه سبز کتاب بدون کلام استفاده کنم تا به دیگران نشان دهم که چگونه در مسیح رشد کنند. در نام عیسی. آمین





## کتاب بدون کلام را با چه کسی می توانیم در میان بگذاریم؟

لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. (رومان ۵:

(۸)



ایست! اولین کاری که لازم است پیش از بکار بردن کتاب بدون کلام انجام دهید، دعا کردن است. لیستی از کسانی که عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده نمی شناسند، تهیه کنید. برای هر کدام از آنها به اسم دعا کنید. از خدا بخواهید تا آنها را برای شنیدن پیام انجیل آماده نماید.

اگر کتاب بدون کلام را همراه ندارید، به اطراف تان نگاه کنید، آیا می توانید این رنگ ها را در چیز دیگری، حتی در لباس های تان پیدا کنید. مریم نه ساله است. او به تازگی یاد گرفته که چطور از کتاب بدون کلام استفاده کند. او برای اولین نفر لیست خود، یعنی دختر خاله اش دعا کرد.

یکروز مریم کتاب بدون کلام خود را به لیلا نشان داد. او از لیلا پرسید: آیا هرگز کتابی مثل کتاب بدون کلام دیده ای؟ لیلا گفت: "نه".

مریم از لیلا پرسید که آیا میدانی این کتاب با کتاب های دیگر چه تفاوتی دارد؟ لیلا با دقت به کتاب نگاه کرد و گفت: "این کتاب هیچ نوشته یا تصویری ندارد". مریم گفت: "اما این کتاب صفحه های رنگی دارد، و این رنگ ها شگفت انگیز ترین داستان حقیقی کتاب مقدس را بیان می کند.

آیا می خواهی این داستان را بشنوی؟

لیلا گفت: "البته!" مریم کتاب بدون کلام را برای لیلا توضیح داد و لیلا به عیسی به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورد!

حالا مریم برای نفر بعدی لیست خود دعا می کند. شما چطور؟ آیا لیست خود را تهیه کرده اید؟

برای دوستی که نیاز دارد تا از عیسی بشنود، یک دعا بنویسید



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدایا، به خاطر کتاب بدون کلام متشکرم. کمک کن تا کتاب را برای افراد لیستم توضیح دهم. در نام عیسی. آمین



۲۳



---

---

می توانید اینطوری دعا کنید:



بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)



“سارا، آیا مایل هستی تا شهادت ایمان آوردن خود را یکشنبه شب آینده در کلیسا بیان نمایی؟” کشیش کلیسا این سوال را از سارا پرسید.

شهادت دادن، یعنی اینکه به دیگران بگویید چطور به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کرده اید و این موضوع چه مفهومی برای شما دارد.

سارا کمی از شهادت دادن وحشت داشت، اما وقتی که به نجات دهنده عالی خود فکر کرد، تصمیم گرفت این کار را انجام دهد.

او هرگز قبلاً در مورد ایمان خود شهادت نداده بود. معلم کانون شادی سارا به او

کمک کرد تا شهادت خود را آماده کند. آنها دعا کردند و از خدا کمک خواستند.

سپس معلم سارا پیشنهاد کرد که او شهادت خودش را بنویسد. سارا درباره زندگی قبل از ایمانش به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده اش، چند سطر نوشت.

بعد در باره این که چه وقت و کجا تصمیم گرفت که به عیسی ایمان بیاورد، چیزهایی نوشت.

سارا فکر کرد که مهم است تا یک آیه کتاب مقدس را نیز به شهادت خود اضافه نماید.

او آیه یوحنا ۱: ۱۲ را انتخاب کرد. آخرین چیزی که سارا نوشت این بود که چقدر

عیسی در زندگی او برایش مهم است.

او نوشت که چطور عیسی به او کمک می کند تا به گناه بگوید، “نه” و از خدا اطاعت

کند. سپس سارا چند بار چیزهایی را که نوشته بود، مرور کرد. حالا او آماده بود تا هر

زمانی، در مورد چگونگی ایمان آوردنش به دیگران شهادت دهد.

شما چطور؟ آیا آماده اید تا شهادت خود را با دیگران در میان بگذارید؟

دو چیز مهمی که مایلید به شهادت نامه خود اضافه کنید را ذکر کنید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا شهادت نامه خود را آماده کنم و راغب

باشم تا آن را با دیگران در میان بگذارم. در نام عیسی. آمین.





## آیا باید به دوستم یک کتابچه بشارتی بدهم؟



بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)

یکی از راههای شهادت دادن به عیسی این است که کتابچه های بشارتی را به دیگران بدهیم. این کتابچه ها درباره گناه و نیاز مردم به اعتماد کردن به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده شان توضیح می دهد.

معلم کانون شادی کامبیز چند کتابچه بشارتی به بچه های کانون شادی داد تا آنها را تشویق کند که این کتابچه ها را به یکی از دوستان خود بدهند.

کامبیز دعا کرد تا جرات پیدا کند و کتابچه بشارتی خود را به دوستش رامین بدهد. بعد او دعا کرد که رامین کتابچه را دور نیاندازد.

رامین از کامبیز خواست تا به همراه چند تن از بچه های محله در کوچه خودشان فوتبال بازی کنند. پس از بازی، کامبیز از رامین پرسید که آیا برای یک نوشیدنی به خانه شان می آید؟

وقتی که آنها به آشپزخانه رفتند، کامبیز به آرامی دعا کرد، “خدايا به من کمک کن.” درست پیش از اینکه رامین برود، کامبیز دوید تا کتاب مقدس خود را بیاورد.

او کتابچه را از میان کتاب مقدس برداشته و به رامین گفت که آن را در زمان مناسبی بخواند. در کمال تعجب کامبیز، رامین همانجا نشست و کتابچه را خواند. رامین گفت: “عیسی کیست؟”

برای کامبیز، دادن کتابچه به رامین، یکی از راههای معرفی نمودن عیسی به رامین بود.

آیا کسی را می شناسید که یکی از این کتابچه ها را به او بدهید؟ اگر چنین کتابچه ای ندارید، شاید خودت بتوانی چنین کتابچه ای را درست کنی! چرا باید به دوستم کتابچه بشارتی بدهم؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا به عنوان شاهد تو، برای بشارت دادن به دیگران از کتابچه های بشارتی استفاده کنم. در نام عیسی. آمین



## چطور می توانم پیام انجیل را با استفاده از دستم، توضیح دهم؟

بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)



می توانید از دست تان استفاده کرده و پیام انجیل را با دیگران در میان بگذارید. دست تان را بالا نگه دارید، انگشت شست تان را به سمت خودتان بگیرید و بگویید: “خدا مرا دوست دارد”. خدا در کتاب مقدس می گوید: “... تو را ابا محبت ازلی دوست داشتم...” (ارمیا ۳: ۳۱).

سپس از انگشت اشاره تان استفاده کنید و بگویید: “من گناهکارم”. کتاب مقدس می گوید: “همه گناه کرده اند...” (رومیان ۳: ۲۳). گناه مرا از خدا جدا می سازد. به انگشت وسط اشاره کنید و بگویید: “عیسی، پسر کامل (بیگناه) خدا، برای من مرد و دوباره زنده شد”.

کتاب مقدس می گوید: “... که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست” (اول قرنتیان ۱۵: ۳-۴). عیسی جریمه گناه مرا پرداخت. به سراغ انگشت بعدی بروید و بگویید: “به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده ام ایمان دارم”. کتاب مقدس می گوید: “... به عیسی خداوند ایمان آور تا تو و تمام خانواده ات نجات یابید” (اعمال ۱۶: ۳۱). ایمان دارم که عیسی برای من مرد.

به انگشت کوچک تان اشاره کنید و بگویید: “نجات یافته ام”. کتاب مقدس می گوید: “آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد، حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می ماند” (یوحنا ۳: ۳۶). می دانم که تا ابد به خدا زندگی خواهم کرد. این آیات حفظی را حفظ کنید و بیان پیام انجیل با کمک دست تان را تمرین کنید!

پنج حقیقت مهم که می توانید با استفاده از دست تان با دیگران در میان بگذارید را ذکر کنید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن که حقایق و آیات مهم را یاد بگیرم تا بتوانم به استفاده از دستم آنها را با دیگران در میان بگذارم. به من کمک کن همیشه آماده باشم که شاهد عیسی باشم. در نام عیسی. آمین



## دوستانم را به کجا می توانم دعوت کنم تا پیام انجیل را بشنوند؟



بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما پرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)

آیا می توانید به سه مکان فکر کنید که می توانید دوست تان را به آنجا ببرید تا پیام انجیل را بشنود؟

کانون شادی باید در بالای لیست تان باشد. اگر کلیسای شما برنامه مخصوصی برای بچه ها ترتیب داده است، می توانید یکی از دوستان تان را دعوت کنید تا در این برنامه شرکت کند.

می توانید در تعطیلات تابستان، دوست تان را به کمپ مسیحی دعوت کنید. آیا در همسایگی شما کلوپ کتاب مقدس وجود دارد؟ اگر نه، شاید خانواده شما بتواند یک کلوپ کتاب مقدس راه بیندازد! این کار می تواند یک شهادت عالی باشد.

آیا در محدوده محل زندگی شما برنامه رادیوی مسیحی وجود دارد؟ می توانید دوست تان را دعوت کنید تا به همراه شما به این برنامه گوش دهد.

شاید در جایی زندگی می کنید که مردم اجازه ندارند، آشکارا خدا را پرستند و درباره انجیل صحبت کنند. شاید مردم به خاطر پیروی از عیسی مسیح خداوند، مجازات می شوند.

دعا کنیم و از خدا بخواهید به شما کمک کند که راهی بیابید تا درباره خدا با دوستان تان صحبت کنید.

حتی اگر نتوانید دوستان تان را به محل خاصی دعوت کنید تا پیام انجیل را بشنوند، می توانید از زندگی خودتان با او صحبت کنید.

دوست تان را به چه جاهایی می توانید دعوت کنید تا پیام انجیل را بشنود؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدایا، به خاطر جاهایی که می توانم دوستانم را به آنجا دعوت کنم تا پیام انجیل را بشنوند، از تو متشکرم. در نام عیسی. آمین





## آیا زندگی من شهادت خوبی برای دیگران است؟

بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)

شهادت دادن فقط سخنانی نیست که می گوئید. خدا می گوید نور محبت او می باید از طریق زندگی شما بتابد.



آنوقت دیگران به سوی او جذب می شوند. (متی ۱۶: ۵)

اول پطرس ۳: ۱۵ می گوید که ما باید انجیل را با فروتنی و ترس (احترام) با دیگران در میان بگذاریم. محمود مسیحی است. معمولاً وقت گذراندن با محمود سرگرم کننده و لذت بخش است. اما هرگاه در خانه اش اوضاع بر وفق مراد نیست، بد اخلاق می شود. او عصبانی و ظالم می شود و باعث ناراحتی خانواده اش می شود. رفتار محمود چه نوع شهادتی برای خانواده اش می باشد؟

خدا می تواند از طرز فکر و اعمال خودتان استفاده کند تا به خانواده تان نشان دهد که چطور عیسی خداوند زندگی شما را کنترل می کند. اما طرز فکر بد و رفتار خودخواهانه می تواند شهادت شما را نابود کند.

پرستو همیشه روزهای یکشنبه، دوستش نیلوفر را به کانون شادی دعوت می کرد. او می خواست نیلوفر از عیسی مسیح بشنود. یکروز در مدرسه موقع امتحان، پرستو برای نوشتن پاسخ یکی از سوالات به برگه امتحانی شاگرد دیگری نگاه کرد. وقتی او نگاهش را برگرداند، متوجه شد که نیلوفر به او نگاه می کرد. زندگی پرستو چه نوع شهادتی بود؟

اگر می خواهید شاهد خوبی برای خانواده و دوستان تان باشید، به یاد داشته باشید که طرز فکر و اعمال شما، از سخنان تان موثرتر است. زندگی شما چه نوع شهادتی است؟

زندگی شما چگونه می تواند یک شهادت خوب باشد؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا بوسیله طرز فکر و اعمالم، شاهد خوبی برای تو باشم. در نام عیسی. آمین



## چطور می توانم به دیگران کمک کنم تا پیغام مسیح را به مردم برسانند؟

بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)



شما نمی توانید با تمام مردم دنیا درباره عیسی صحبت کنید! اما راهی وجود دارد که شما می توانید انجیل را با کسانی که هرگز با ایشان ملاقات نکرده اید، در میان بگذارید.

می توانید به مبشری که برای بشارت پیام انجیل به دیگران به جاهای دیگر می رود، کمک کنید. مبشر، یک مسیحی است که کارش، صحبت کردن درباره عیسی مسیح با دیگران است. بعضی از مبشرین در کشور خودشان کار می کنند. اما بعضی ها هم به کشورهای دیگر سفر می کنند.

چطور می توانید به مبشرین کمک کنید تا پیام انجیل را به جاهای مختلف ببرند؟ اول برای آنها دعا کنید. از خدا بخواهید تا مسیحیانی را انتخاب کند تا به عنوان مبشر خدمت کنند. وقتی برای مبشرین دعا می کنید، به نیازهای متعددی که دارند نیز فکر کنید. درست مانند شما، مبشرین نیز به غذا، لباس و مکانی برای زندگی کردن، نیاز دارند. وقتی آنها بیمار میشوند، به دارو نیاز دارند. برای اتومبیل شان به سوخت نیاز دارند. در جاهای خطرناک به امنیت نیاز دارند. همچنین مبشرین به دلگرمی احتیاج دارند تا با تنهایی و دیگر سختی ها روبرو شوند. آنها به شجاعت نیاز دارند تا درباره عیسی با دیگران صحبت کنند. راه دیگر برای کمک کردن به مبشرین، این است که به آنها پول بدهید. می توانید قسمتی از پولی را که به دست می آورید به عنوان هدیه به مبشرین کلیسای محلی خودتان بدهید. وقتی پول می دهید تا به مبشرین کمک کنید، در واقع این پول را به خدا می دهید! شما برای کمک کردن به مبشرین در رساندن پیام انجیل به دیگران، چه کاری انجام می دهید؟

سه کاری که می توانید با انجام دادن آنها به مبشرین در بردن پیام انجیل به جاهای دیگر کمک کنید را نام ببرید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر وجود مبشرین، متشکرم که پیام انجیل را به جاهای زیادی می برند. به من کمک کن تا دعا کنم و پول بدهم تا امکان سفر آنها فراهم شود. در نام عیسی. آمین





## آیا من می توانم روزی یک مبشر شوم؟

بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. (اول پطرس ۳: ۱۵)



بسیاری از مبشرین وقتی بچه بودند می دانستند که خدا می خواهد آنها این کار را انجام دهند.

آنها چگونه این موضوع را دریافته بودند؟

آنها هر روزه با مطالعه کلام خدا و دعا کردن، با خدا وقت می گذاشتند. آنها به کلیسا می رفتند تا در آنجا بیشتر در باره خدا بیاموزند. شاید آنها داستان های مبشرین را می خواندند. آنها در جایی که زندگی می کردند، شاهدان وفاداری برای عیسی بودند. کم کم خدا یک اشتیاق بسیار قوی در دل شان قرار داد تا این کار را به عنوان مبشرین تمام وقت انجام دهند.

شاید حتی خدا محبت یک مکان یا مردم خاصی را در دل شان قرار داد. شاید یک روز خدا از شما بخواهد مبشر شوید. حالا می توانید با شناخت خدا خود را بیشتر آماده سازید.

کلام خدا را بخوانید و دعا کنید. هر وقت که می توانید به کلیسا بروید. همچنین می توانید برای مبشرین دعا کنید و در فراهم کردن چیزهای مورد نیاز شان سهیم باشید. داستان های زندگی مبشرین را بخوانید. مهم تر از همه در جایی که خدا شما را قرار داده است، شاهد امینی باشید.

نگران نباشید که شاید خدا از شما بخواهد کاری را انجام دهید که دوست ندارید یا نمی توانید انجام دهید. اگر خدا از شما بخواهد که مبشر بشوید، به شما اشتیاق و توانایی این کار را نیز خواهد داد. از خدا بخواهید تا به شما قلبی مشتاق اطاعت بدهد. شاید خدا روزی از شما بخواهد تا یک مبشر بشوید!

چطور ممکن است این موضوع را دریابید که خدا می خواهد شما یک مبشر بشوید؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، لطفاً به من کمک کن تا این را بدانم که آیا از من می خواهی روزی مبشر بشوم، آنوقت به من قلبی مطیع بده تا از تو اطاعت کنم. در نام عیسی. آمین



## آینده نگری خدا چیست؟



و می دانیم به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸: ۲۸)



آیا تا به حال یک قطعات یک پازل را کنار هم چیده اید؟ وقتی تکه های پازل را بهم می ریزید، دوباره درست کردن آن مشکل می شود. اما هر تکه از پازل جای مخصوصی دارد. وقتی هر کدام از تکه ها، در جای درست قرار می گیرد، در نهایت تصویر زیبایی را می بینید! خدا نقشه ای برای زندگی شما دارد. این نقشه از تکه های متعددی تشکیل شده است. چیزهای نیکوی بسیاری وجود دارد که خدا آنها را برای شما طراحی کرده است. همچنین او اجازه می دهد که دشواری ها نیز در زندگی تان اتفاق بیافتند. مانند یک پازل بزرگ، خدا تمامی این چیزها را به روش مخصوصی در کنار همدیگر قرار می دهد. این عمل، آینده نگری خدا نامیده می شود. آینده نگری به این معناست که خدا همیشه برای فرزنداناش اهمیت قائل است و تمام چیزهایی که در زندگی آنها اتفاق می افتد را کنترل می کند. کتاب مقدس می گوید: “و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیز برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند” (رومیان ۸: ۲۸). ممکن است بارها پیش باید دلیل چیزی که برای شما اتفاق می افتد را نفهمید، اما هیچ اتفاقی هرگز موجب تعجب خدا نمی شود. می توانید خدا را به خاطر آینده نگریش ستایش کنید، حتی زمانی که نمی توانید ببینید که پازل در نهایت چگونه به پایان خواهد رسید. هر روز در جستجوی راه هایی باشید که خدا از طریق آنها در زندگی شما کار می کند. خدا همیشه بهترین را می داند و انجام می دهد. امروز از او به خاطر آینده نگریش سپاسگزاری کنید.

چگونه متوجه کنترل و توجه خدا در زندگی خود شده اید؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر آینده نگری تو سپاسگزارم. به من کمک کن تا در هر آنچه که در زندگی من اتفاق می افتد، به تو اعتماد کنم. در نام عیسی. آمین.





## آیا خدا هدفی را در زندگی من دنبال می کند؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشد. (رومیان ۸: ۲۸)



“چرا اینجا هستم؟” بسیاری از مردم این سوال را پرسیده اند. آیا دلیلی وجود دارد که خدا شما را بر روی زمین قرار داده است؟ پاسخ سوال، “بله” است. خدا هر کاری را به دلیل خاصی انجام می دهد. انسان به زندگی خود بر روی کره زمین ادامه می دهد، اما هدف بسیار مهمتری از صرف زندگی کردن وجود دارد. خدا مطابق نقشه عالی اش، شما را فرد مخصوصی آفریده است، هیچ کسی مثل شما نیست، حتی اگر برادر یا خواهر دوقلو هم داشته باشید! شخصیت شما، نوع فکر کردن تان درباره مسایل، چیزهایی که باعث خنده یا گریه شما می شود- همه اینها، شما را از دیگران متمایز می سازد. خدا شما را عملاً اینطوری ساخته است. شما در نوع خود، بی نظیر هستید!

همچنین خدا برای آنچه که می خواهد بشوید، هدف دارد. او می خواهد زندگی تان باعث جلال (احترام) او شود.

خدا در کتاب مقدس می گوید: “زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکر های سلامتی می باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم” (ارمیا ۲۹: ۱۱).

خدا نقشه های نیکویی برای زندگی شما دارد. خدا در آینده نگریش، فقط اجازه می دهد آنچه که بهترین است، برای شما اتفاق بیفتد.

حتی وقتی چیزها سخت و دشواری اتفاق می افتد، بیاد داشته باشید که خدا هدف - نقشه ای دارد که آن را برای خیریت شما و جلال خودش به پیش می برد.

سه چیزی که باعث تمایز شما از دوستان تان می شود را بنویسید.



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که مرا شخص مخصوصی آفریدی. متشکرم که هدف خوبی برای زندگی من داری. به تو توکل می کنم تا نقشه ات را برای من به پیش ببری. در نام عیسی. آمین







## هدف خدا برای یوسف چه بود؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸: ۲۸)



کتاب مقدس درباره مرد جوانی به نام یوسف به ما می گوید. او با ده برادر بزرگتر از خودش، بزرگ شد. پدر یوسف او را از همه فرزندانش بیشتر دوست داشت. او حتی لباس زیبایی به یوسف داده بود. اما برادران یوسف حسود بودند. یکروز برادران یوسف در دشت از گوسفندان پدرشان نگهداری می کردند که دیدند یوسف می آید. آنها لباس زیبای یوسف را از او گرفتند و او را در چاهی انداختند. بعد یوسف را به عنوان برده فروختند. یوسف سختی های زیادی را تحمل کرد. او حتی به خاطر کاری که انجام نداده بود، می بایست در مصر به زندان می رفت. وقتی یوسف در زندان بود، پادشاه مصر خواب عجیبی دید. خدا به یوسف حکمت داد تا معنی آن خواب را بفهمد. پادشاه به نوان پادشاه، شغل مهمی به یوسف داد. خدا به یوسف گفت که غله زیادی جمع آوری و انبار نماید، چون به زودی قحطی شدیدی می آمد، بطوری که هیچ غذایی برای خوردن وجود نداشت. یوسف اطاعت کرد و مردم زیادی از مرگ نجات یافتند. خدا نقشه خوبی برای زندگی یوسف داشت، هر چند این نقشه گاهی سخت و دشوار به نظر می رسید. هدف خدا برای یوسف این بود که او یاد بگیرد به خدا توکل کند و از او اطاعت نماید. سختی ها یوسف را برای کار مهمی که خدا برای او در نظر داشت، آماده ساخت. یوسف از نقشه خدا پیروی کرد و زندگیش خدا را جلال داد.

دو نوع آینده نگری خدا که در زندگی یوسف می بینید را بنویسید.



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر نقشه های نیکویی که برای زندگی یوسف داشتی، از تو متشکرم. لطفاً به من کمک کن تا همانگونه که یوسف به تو توکل کرد و از تو اطاعت نمود، من نیز همانطور عمل کنم. در نام عیسی.

آمین





## یوسف در سختی ها چه عکس العملی از خود نشان داد؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده خدا خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸:



(۲۸)

تصور کنید که مورد تنفر خانواده تان هستید. تصور کنید که به عنوان برده فروخته شده اید. مجبور شوید به خاطر کاری که انجام نداده اید، به زندان افکنده شوید. همه این اتفاقات سخت برای یوسف در کتاب مقدس اتفاق افتاد.

یوسف چگونه واکنش نشان داد؟ آیا او نسبت به خدا عصبانی شد؟ آیا او خواست از برادرانش انتقام بگیرد؟ نه! هر چند که بسیار مشکل بود، اما یوسف به خدا توکل کرد و از او اطاعت نمود. او سخت کار کرد و کارش را به بهترین نحو انجام داد.

پس از زحمات بسیار، یوسف شخص مهمی در مصر شد. یکروز برادرانش آمدند تا غله بخرند. آنها یوسف را نشناختند، اما یوسف ایشان را شناخت.

یوسف قدرت داشت که آنها را مجازات کند. اما یوسف به جای مجازات کردن، آنها را بخشید! او گفت: “... شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد...” (پیدایش ۲۰: ۵۰).

یوسف بقیه سال های زندگیش از خانواده اش مراقبت کرد.

یوسف مشاهده کرد هر چیزی اتفاق افتاده بود، قسمتی از نقشه خدا بود. خدا برای یوسف اهمیت قائل بود و نقشه اش را در زندگی یوسف به پیش برد.

هر چند مردم نقشه های شریرانه داشته باشند، اما نقشه های خوب خدا هرگز نابود نمی شود. یوسف در مقابل سختی هایش، با بخشش و توکل به آینده نگری خدا پاسخ داد. شما چطور در مقابل سختی های تان واکنش نشان می دهید؟

شما باید چگونه در برابر سختی های زندگی تان عکس العمل نشان

دهید؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیزم، متشکرم که اتفاقات بد زندگی مرا به خیریت من تبدیل کردی. به من کمک کن تا دیگران را ببخشم و به تو توکل کنم. در نام عیسی. آمین.



## نقشه و هدف خدا برای زندگی استر چه بود؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده خدا خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸:

(۲۸)



استر در راز نگهداری بسیار خوب عمل می کرد. او دختر جوانی بود که سال ها پیش در سرزمین فارس زندگی می کرد.

کتاب مقدس می گوید که او چگونه انتخاب شد تا ملکه شود. ملکه استر رازی داشت که هیچ کس، حتی پادشاه نیز از آن با خبر نبود.

عموی او مردخای، به او هشدار داده بود که به کسی نگوید که یهودی است. یک مرد مغرور به نام هامان، برای پادشاه کار می کرد. او دوست داشت تا مردم در مقابل او با احترام، تعظیم کنند.

مردخای از تعظیم کردن در مقابل هر کسی جز خدا امتناع می کرد. هامان عصبانی بود.

او فهمید که مردخای یهودی است. هامان قانون وحشتناکی وضع کرد. طبق این قانون در روز مشخصی تمام یهودیان می بایستی کشته می شدند.

مردخای در باره این قانون با استر صحبت کرد. او می خواست که استر از پادشاه کمک بگیرد، اما استر می ترسید. اگر استر بدون اینکه دعوت می شد، به نزد پادشاه می رفت، ممکن بود پادشاه دستور کشته شدن او را صادر نماید.

استر به مردخای گفت که نمی تواند این کار را انجام دهد. مردخای دوباره به استر پیغام داد و گفت، شاید خدا او را برای چنین زمانی ملکه کرده است.

خدا هدف خاصی داشت که اجازه داد استر ملکه شود. استر درست در جایی قرار داشت که قوم یهود را نجات دهد. آیا استر به نقشه خدا برای خودش اعتماد می کرد؟ شما چطور؟

اگر شما به جای استر بودید، چه کار می کردید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، من شکر کنم که جای مخصوصی برای من داری. به من کمک کن تا جرات داشته باشم و به نقشه تو اعتماد کنم. در نام عیسی. آمین





## استر چگونه نسبت به سختی ها عکس العمل نشان داد؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸: ۲۸)



استر در موقعیت سختی قرار گرفته بود. او می خواست به مردمش کمک کند، اما از رفتن به نزد پادشاه نیز می ترسید.

استر خدای زنده واحد حقیقی را می شناخت. او ایمان داشت که خدا به دلیل خاصی اجازه داده بود تا او ملکه شود. استر به نقشه خدا برای زندگیش اعتماد کرد. او پیغامش را به مردخای داد: “برو و تمام یهودیان شهر شوش را جمع کن تا برای من سه شبانه روز، روزه بگیرند. من و ندیمه هایم نیز همین کار را می کنیم. سپس من به حضور پادشاه خواهم رفت، هر چند این عمل بر خلاف قانون است. اگر کشته شدم، بگذار کشته شوم!” (استر ۴: ۱۶). روزه گرفتن، یعنی غذا نخوردن. معمولاً وقتی مردم در کتاب مقدس روزه می گرفتند، وقت خود را صرف دعا کردن می کردند. پس از سه روز، استر به نزد پادشاه می رفت تا برای نجات زندگی یهودیان از پادشاه تقاضا نماید. او می دانست که می تواند به نقشه خدا اعتماد کند، حتی اگر این اعتماد به مرگ او منجر شود. پس از سه روز روزه، استر به نزد پادشاه قدرتمند رفت. پادشاه به او خوش آمد گفت و استر نفس راحتی کشید. او درباره نقشه شیطانی هامان صحبت کرد. پادشاه دستور داد تا هامان کشته شود. قانون قدیمی نمی توانست تغییر یابد، اما یک قانون جدید تصویب شد. یهودیان می توانستند از خود در برابر دشمنان شان دفاع کنند. خدا از استر استفاده کرد تا قوم یهود را نجات دهد. استر چگونه نسبت به سختی ها عکس العمل نشان داد؟ او دو کار انجام داد که بهترین کار است و هر کسی می تواند آنها را انجام دهد: او دعا کرد و به خدا اعتماد نمود! آیا در سختی ها به یاد می آورید که دعا کنید و به خدا اعتماد نمایید؟

موقعیت سختی را بنویسید که در زندگی تان ممکن است اتفاق افتد و نیاز دارید که برای آن دعا کرده و به خدا اعتماد کنید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که می توانم در هر موقعیتی دعا کنم و به تو اعتماد نمایم. به من کمک کن تا این موضوع را در سختی ها به یاد آورم. در نام عیسی. آمین





## نقشه و هدف خدا برای من چیست؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸: ۲۸)



شاید شما مانند استر یا یوسف در یک قصر زندگی نمی کنید. شاید شما در یک آپارتمان در یک شهر شلوغ زندگی می کنید. شاید با نامادری یا ناپدری و چندین برادر و خواهر زندگی می کنید. در هر کجا که زندگی می کنید و هر گونه خانواده ای که دارید، خدا نقشه و هدفی برای شما دارد. وقتی آرمین که هشت ساله بود، به عیسی به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کرد.

او در یک محله وحشتناک زندگی می کرد. در این ناحیه خلافکارها، قاچاقچیان مواد مخدر و اسلحه وجود داشت. آرمین می دانست که پیوستن به دسته خلافکارها باعث جلال خدا نمی شود. بعضی وقت ها آرمین از خود می پرسید: "آیا خدا برای من نقشه و هدفی دارد؟" برای اینکه جواب این سؤال را بیابد، کتاب مقدس را مطالعه کرد، دعا نمود و به خدا اعتماد کرد. او در جستجوی راه های جلال دادن خدا بود. آرمین هر گاه که فرصتی می یافت، درباره عیسی با دوستانش صحبت می کرد.

بعضی از دوستان آرمین نیز به عیسی اعتماد کردند. آرمین به کلیسا نیز می رفت. او در کلیسا سرود می خواند. او در یک برنامه ویژه بچه ها که بعد از ساعت مدرسه انجام می شد نیز همکاری می کرد. نقشه و هدف خدا برای زندگی آرمین چه بود؟ جلال دادن خدا و نور درخشان بودن در ناحیه زندگی اش!

این نقشه و هدف خدا برای زندگی شما نیز می باشد. خدا راه هایی به شما داده تا او را خدمت کنید. او بسیاری از این راه ها را در کلامش، یعنی کتاب مقدس گفته است. از او بخواهید تا هر روزه به شما نشان دهد که با انجام چه کاری می توانید او را جلال دهید.

سه روشی که خدا توسط آنها در ناحیه زندگی شما جلال می یابد را

نام ببرید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که می توانم نور درخشانی در ناحیه زندگی خود باشم. به من کمک کن تا راه هایی را بجویم که بوسیله آنها می توانم تو را جلال دهم. در نام عیسی. آمین





## چگونه باید نسبت به سختی ها عکس العمل نشان دهم؟

و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. (رومیان ۸: ۲۸)



«این منصفانه نیست!» «چرا همیشه اتفاقات بد برای من واقع می شود؟» آیا هرگز به چیزهایی از این قبیل اندیشیده اید؟ همه ما در زندگی مان زمان های سختی را متحمل می شویم. بیماری یا طلاق در خانواده شما می تواند تجربه های سختی باشند. شاید خانواده شما جایی برای زندگی کردن ندارند، چون والدین شما شغلی ندارند. شاید دیگران شما را به خاطر مسیحی بودن، مسخره می کنند. بسیار وسوسه کننده است که در مواقع سختی، نسبت به خدا عصبانی بشویم. ممکن است فکر کنید، «اگر خدا واقعا مرا دوست داشت، اجازه نمی داد که این اتفاقات بد برای من بیفتد.» این حقیقت ندارد. خدا همیشه شما را دوست دارد و برای شما اهمیت قائل است! او همواره در حال پیش بردن نقشه اش در زندگی شما است. خدا از سختی ها استفاده می کند تا به شما کمک کند که به او بیشتر توکل کنید. بدین صورت دیگران می بینند که عیسی در زندگی شما کار می کند و زندگی تان باعث جلال و احترام خدا می شود.

وقتی سختی ها می آید، بیاد داشته باشید که خدا قادر مطلق است. او همه چیز را تحت کنترل دارد!

او هر چیزی که در زندگی شما واقع می شود را می داند. او همواره اجازه می دهد، بهترین ها برای شما اتفاق بیافتد.

به خدا بگویید که چه احساسی دارید. از او بخواهید به شما کمک کند تا به او اعتماد کنید. از او آرامش درونی طلب نمایید. آنوقت صبورانه منتظر خدا بمانید تا اتفاقات را برای خیریت شما به پیش ببرد.

آن چیزی که یقین دارید هدف و نقشه خدا در زندگی تان است را بنویسید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که برای من هدف و نقشه ای داری. به من کمک کن تا به تو توکل کنم و منتظر بمانم تا نقشه ات را در زندگی من به پیش ببری. در نام عیسی. آمین



## چرا در جهان رنج و عذاب وجود دارد؟

و خدای همه فیض ها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است، شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. (اول پطرس ۵: ۱۰)



چرا همه چیزها همیشه نمی تواند خوب و پسندیده باشد؟ چرا باید در جهان رنج و درد وجود داشته باشد؟ خدا می خواهد شما مانند او قوی باشید.

این موضوع بدین معناست که خدا بعضی اوقات اجازه می دهد تا شما رنج بکشید. رنج به مفهوم این است که در بدن یا احساسات تان ناراحتی داشته باشید. بعضی از مردم از بیماری یا درد رنج می برند. دیگران از غم، عصبانیت یا احساسات جریحه دار شده رنج می برند. تا پیش از اینکه اولین انسان ها، یعنی آدم و حوا گناه کنند، هیچ درد و رنجی وجود نداشت. یک قسمت از پیامد گناه آنها، این است که رنج و درد در جهان پدیدار شد. حالا هر کسی موقعیت رنج آوری در زندگی خود دارد. بعضی اوقات خدا اجازه می دهد تا رنج وارد زندگی تان شود و بدین ترتیب به شما کمک می کند تا بیشتر شبیه او بشوید. در حینی که در طی زمان درد و ناراحتی منتظر کار خدا هستید، این انتظار شما را صبورتر می کند.

وقتی در رنج و سختی به خدا توکل می کنید تا از شما مراقبت کند، این رنج ها می تواند به شما کمک کند تا یاد بگیرید که جرات و شجاعت داشته باشید.

خدا هرگز اجازه نمی دهد که به تنهایی رنج ببرید. او همواره در کنار تان حاضر است تا به شما کمک کند. یکروز خدا تمامی این سختی ها را از زندگی فرزندان خود بیرون می کند. تا آنوقت به او اعتماد کنید تا با شما باشد. به او اجازه دهید تا به شما کمک کند حتی زمانی که رنج می برید، آرامش درونی داشته باشید.

به خدا اجازه دهید تا از رنج و سختی در زندگی شما استفاده نماید و بدین ترتیب به شما کمک کند تا در او قوی و استوار شوید.

موضوعی بنویسید که ممکن است باعث رنج و عذاب شما شود، سپس درباره آن با خدا صحبت کنید.

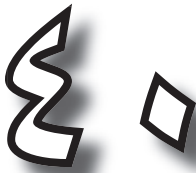


### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که تو نیکو و حکیم هستی. متشکرم که در رنج های من با من هستی. به من کمک کن تا به تو توکل کنم. در نام عیسی.

آمین





## چطور می توانم در زمان رنج و عذاب آرامش و تسلی بیابم؟

و خدای همه فیض ها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است، شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. (اول پطرس ۵: ۱۰)



کتاب مقدس درباره مردی صحبت می کند که از تمام مردم دنیا، رنج و عذاب بیشتری را متحمل شد. نام او ایوب بود. فرزندانش در یک طوفان کشته شدند. او خانه و دارایش را از دست داد. او یک بیماری دردناک نیز داشت. بعضی گفتند که خدا او را مجازات می کند، اما ایوب می دانست که خدا برای او اهمیت قائل است. او درباره مشکلات خود با خدا صحبت کرد و اینکه چه احساسی دارد. وقتی که رنج می کشید و در سختی هستید، لازم است که شما نیز همان کاری را انجام دهید که ایوب کرد. ممکن است عصبانی باشید.

شاید فکر کنید خدا به شما و وضعیت تان اهمیت نمی دهد. اما خدا یقیناً برای شما اهمیت قائل است. درباره رنج ها و سختی های تان با خدا صحبت کنید. از خدا بخواهید به شما کمک کند که صبور و شجاع باشید. یکی از راه هایی که خدا از طریق آن به فرزندانش آرامش و تسلی می دهد، کلام خدا است. اگر کتاب مقدس دارید، چند آیه از کتاب مزامیر را بخوانید.

کلام خدا می گوید که از طریق صبر و آرامش (تسلی) کتاب مقدس، می توانیم امید داشته باشیم (رومیان ۱۵: ۴). وقتی با خدا صحبت می کنید و کلامش را می خوانید، ممکن است به مشکل تان پاسخ دهد. اما ممکن است خدا تصمیم بگیرد که از طریق دیگری به شما آرامش بدهد. شاید فقط به شما یادآوری کند که شما را دوست دارد و برای زندگی تان نقشه ای دارد. مانند ایوب باشید و حتی در زمان رنج و عذاب، اعتماد داشته باشید که خدا در حال کار کردن در زندگی شماست. اجازه دهید خدا به شما آرامش و تسلی بدهد.

دو طریقی که خدا می تواند بوسیله آنها در زمانی که رنج می کشید، به شما آرامش و تسلی بدهد را بنویسید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، از اینکه وقتی رنج می برم به من تسلی و آرامش می دهی، متشکرم. به خاطر کلامت سپاسگزارم که به من امید می دهد. به من کمک کن تا به نقشه ات برای زندگیم اعتماد نمایم. در نام عیسی. آمین







## مورد آزار و اذیت قرار گرفتن، یعنی چه؟

و خدای همه فیض ها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است، شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. (اول پطرس ۵: ۱۰)



آیا می دانستید که بعضی افراد به خاطر اینکه به عیسی ایمان دارند، مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و رنج می برند؟

ممکن است اعضای خانواده یا دوستان شما درک نکنند که چرا به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کرده اید. ممکن است شما را مورد تمسخر قرار دهند یا به نوعی با شما ظالمانه رفتار کنند. دشمنان، یعنی شیطان می خواهد وقتی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرید، دلسرد شوید و نسبت به خدا عصبانی گردید. او می خواهد شما را در کار صحبت کردن درباره عیسی با دیگران متوقف سازد. کلام خدا می گوید: "لکن اگر چون مسیحی عذاب بکشد، پس شرمنده نشود. بلکه به این اسم خدا را تمجید نماید" (اول پطرس ۴: ۱۶).

وقتی مورد آزار و اذیت قرار می گیرید، چگونه می توانید خدا را تمجید کنید؟ کتاب مقدس درباره مردی بنام استیفان صحبت می کند. او به عیسی به عنوان نجات دهنده خود ایمان داشت. او درباره عیسی با دیگران صحبت می کرد.

بعضی از مردم از استیفان متنفر بودند و می خواستند او را بکشند. آنها استیفان را سنگسار کردند تا وقتی که او مرد. اما استیفان با شجاعت و خوشی مرد. او دعا کرد و می دانست که عیسی منتظر او است تا در آسمان (بهشت) به او خوش آمد گوید. استیفان حتی در زمان مرگش خدا را جلال داد (اعمال ۷: ۵۷-۶۰).

شاید شما هرگز مثل استیفان مورد آزار و اذیت قرار نگیرید. اما اگر به نوعی مورد آزار و اذیت قرار گرفتید، از خدا بخواهید تا به شما جرات دهد که او را تمجید نمایید.

اگر به خاطر اینکه به عیسی ایمان دارید، مورد آزار و اذیت قرار بگیرید، چه کاری باید انجام بدهید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که حتی وقتی مورد آزار و اذیت قرار می گیرم، تو با من هستی. به من کمک کن تا با طرز تفکر و سخنانم تو را تمجید نمایم. در نام عیسی. آمین



## وقتی مورد آزار و اذیت قرار می گیرم، چه کاری باید انجام بدهم؟

و خدای همه فیض ها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است، شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. (اول پطرس ۵: ۱۰)



مینا در حالی که به ساندویچ خود نگاه می کرد، در نهار خوری مدرسه نشسته بود. او می خواست پیش از اینکه نهار خود را بخورد، از خدا سپاسگزاری نماید، اما بقیه بچه ها او را تماشا می کردند. او دیروز پیش از اینکه غذا بخورد، دعا کرده بود. اما بچه ها به او خندیدند و او را مسخره کردند. مینا احساس بسیار بدی داشت. مینا به خاطر اینکه مسیحی بود، مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود.

چرا خدا اجازه می دهد که فرزندانش مورد آزار و اذیت قرار گیرند؟ بعضی وقت ها به این دلیل که آزار و اذیت دیگران به ما کمک می کند که یاد بگیریم بیشتر به خدا توکل کنیم. همچنین ممکن است خدا از نمونه شما استفاده کند تا دیگری را که در حال رنج کشیدن هستند، دلگرم سازد.

وقتی مورد آزار و اذیت قرار می گیرید، چه کاری باید انجام بدهید؟ اول، بیاد بیاورید که خدا تمام چیزهایی را که اتفاق می افتد، کنترل می نماید.

او هرگز اجازه نمی دهد بیش از آن حدی که با کمک او می توانید تحمل کنید، مورد آزار و اذیت قرار گیرید. دوم، به این فکر کنید که چطور عیسی مسیح، پسر خدا به خاطر شما مورد آزار و اذیت قرار گرفت.

او اجازه داد تا انسان ها او را مورد ضرب و شتم قرار دهند و به یک صلیب میخکوب نمایند تا گناهان شما بخشیده شود.

سوم، از نمونه های دیگر مانند استیفان پیروی کنید. دعا کنید و به وعده های کلام خدا ببانددیشید. پس از مدت کوتاهی خدا شما را از رنج تان خلاصی می دهد و شما را قویتر می سازد. به او اعتماد کنید و کار درست را ادامه دهید.

اگر به جای مینا بودید، چطور خدا را جلال می دادید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا حتی وقتی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرم، تو را تمجید کنم. به من کمک کن تا وعده های کلامت را بیاد آورم و کار درست را انجام بدهم. در نام عیسی. آمین



## اگر خانواده من به عیسی ایمان نیاورند، چه؟

و خدای همه فیض ها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است، شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. (اول پطرس ۵: ۱۰)



شاید فکر می کنید که همه افراد می خواهند به عیسی ایمان بیاورند، اما اینطور نیست. شاید شما تنها کسی هستی که در خانواده تان به عیسی ایمان دارید. شاید خانواده تان از اینکه مسیحی شده اید، عصبانی هستند.

شاید برادران و خواهران تان شما را مورد تمسخر قرار می دهند. وقتی که خانواده شما ایمان تان را درک نمی کنند، وضعیت شما مشکل است.

هر روز برای خانواده تان دعا کنید. از خدا بخواهید تا به آنها کمک کند بفهمند که آنها نیز نیاز دارند به مسیح توکل کنند. اگر فروتنانه و با مهربانی رفتار کنید، خانواده تان محبت خدا را در شما می بینند. خدا می تواند به شما قوت دهد تا حتی وقتی خانواده تان با شما مهربان نیستند، شما با آنها مهربان باشید. همچنین می توانید از خدا بخواهید به شما کمک کند که با خانواده تان درباره عیسی خداوند صحبت کنید.

اجازه دهید خدا سخنان مناسب را در زمان مناسب به شما بدهد. شما نمی توانید باعث شوید که خانواده تان ایمان بیاورند، اما ممکن است خدا از سخنانی که با نرمی و متانت گفته می شود، استفاده کند و به آنها کمک کند تا درک نمایند که به عیسی نیاز دارند. اگر به کلیسایی می روید که درباره عیسی تعلیم می دهد، خانواده خود را نیز دعوت کنید تا همراه شما به کلیسا بروند. شاید آنها به دعوت شما جواب رد بدهند، ولی دلسرد نشوید و به این کار ادامه دهید. به دعا کردن برای آنها نیز ادامه دهید.

همچنان مهربان باشید. همچنان درباره عیسی با آنها صحبت کنید. ممکن است روزی ایمان بیاورند. و آنروز بسیار خوشحال خواهید شد که از شاهد عیسی بودن برای خانواده تان دست نکشیدید!

اسامی اعضای خانواده تان که نیاز دارند به عیسی ایمان بیاورند را بنویسید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خداوند عزیز، به خاطر خانواده ام از تو متشکرم. به من کمک کن تا مطیع و مهربان باشم و درباره تو با آنها صحبت کنم. در نام عیسی. آمین





## وقتی خانواده من مجبور به تغییر محل سکونت است، آیا خدا می تواند به من کمک کند؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



وقتی آخرین وسایل خانه خانواده لیدا درون کامیون بزرگی گذاشته می شد، لیدا با چشمانی اشکبار به آن صحنه نگاه می کرد. خانواده او به یک شهر دیگر نقل مکان می کردند. دل لیدا برای دوستانش تنگ می شد.

او نگران این بود که مبادا نتواند دوستان جدیدی پیدا کند. مدرسه جدید او چگونه خواهد بود؟

شاید خانواده شما نیز به جای دیگری نقل مکان می کنند و شما نیز همان سوالات لیدا را در ذهن تان دارید. خداحافظی کردن از دوستان کار مشکلی است.

ممکن است عادت کردن به چیزهای جدید و مکان های جدید دشوار باشد، اما خدا می تواند به شما کمک کند! کتاب مقدس می گوید: “و تمام اندیشه های (مشکلات) خود را به وی (عیسی) واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند” (اول پطرس ۵: ۷). می توانید درباره چیزهایی که موجب نگرانی و ناراحتی شما هستند، با عیسی خداوند صحبت کنید. می توانید مطمئن باشید که او از شما مراقبت خواهد نمود. بیاد داشته باشید که خدا همه چیزهایی که اتفاق می افتند را کنترل می کند.

او هر قدم زندگی شما را طراحی کرده است. او درباره مکان های جدیدی که می روید، می داند. او قبلا آنجا حاضر است! او در آنجا، در محل جدید زندگی تان و در مدرسه جدیدتان خواهد بود. از خدا بخواهید به شما کمک کند تا به او اعتماد داشته باشید که از همه چیز مراقبت می نماید. از او بخواهید شما را به سوی دوستان جدیدتان هدایت کند.

وقتی که باید به یک محل جدید نقل مکان کنید، خدا چگونه می تواند به شما کمک کند؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خداوند عزیز، متشکرم که با من هستی و به هر کجا که بروم، از من مراقبت می کنی. در نام عیسی. آمین



## چطور می توانم رابطه خوبی با برادران و خواهرانم داشته باشم؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



بعضی وقت ها دوست داشتن کسانی که با شما زندگی می کنند، سخت ترین کارها است! شاید برادران یا خواهران تان با شما متفاوت هستند. شاید شما تمیز و مرتب و آنها بی نظم و ترتیب هستند. شاید نمرات درسی شما بالاتر از نمرات آنها است و آنها در ورزش بهتر از شما هستند.

شاید آنها می توانند کارهایی انجام دهند که شما اجازه انجام آنها را ندارید. خیلی ساده است که نسبت به برادر یا خواهرتان عصبانی شوید و با آنها دعوا کنید، مخصوصا وقتی که در یک اتاق مشترک می خوابید! اغلب کنار آمدن با کسانی که با شما متفاوت هستند، دشوار است. لازم است که این مشکل را به دست عیسی بسپارید.

شما برادران و خواهرانتان را انتخاب نکرده اید، بلکه خدا آنها را انتخاب نمود! او هر کدام از اعضای خانواده شما را طراحی کرد. او می داند که هر کدام از شما چه نوع اخلاقی دارید.

به چیزهای خوب برادر یا خواهرتان بیاندیشید.

هر کدام از آنها چه استعدادها و قابلیت هایی دارند؟

شما چه استعدادها و قابلیت هایی دارید؟ چگونه می توانید به یکدیگر کمک کنید؟ شاید بتوانید به برادران در یکی از درس های مدرسه که برای او مشکل است، کمک کنید. شاید خواهرتان می تواند به شما کمک کند یاد بگیرید که کار خاصی را خیلی خوب انجام دهید. از خدا به خاطر خانواده ای که به شما داده است، تشکر کنید. از او بخواهید به شما کمک کند تا به جای دعوا کردن با آنها، از داشتن چنین برادران و خواهرانی سپاسگزار باشید.

سه ویژگی که در برادران یا خواهران تان وجود دارد و باعث قدر

دانی شما از آنها می شود را بنویسید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر برادران و خواهرانم، از تو متشکرم. به من کمک کن تا به خاطر وجود خانواده ام خوشحال باشم و رابطه خوبی با آنها برقرار کنم. در نام عیسی. آمین



و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



وقتی که اعضای بدن تان ناراحتی و درد دارند، توکل کردن به خدا دشوار است. وقتی که خیلی بیمار هستید، ممکن است لازم باشد که به بیمارستان بروید. شاید بترسید، اما بیاد بیاورید که خدا همیشه می داند که شما کجا هستید.

او درست در همانجا با شما هست. خدا کسی است که بدن شما را آفرید. او بدن شما را از بهترین دکترها بهتر می شناسد. او تنها اجازه می دهد آنچه که بهترین است، در زندگی شما اتفاق بیافتد.

او می تواند به پزشک حکمت بدهد تا بیماری شما و نحوه درمان آنرا تشخیص دهد. وقتی که باید به بیمارستان بروید، این مشکل را به عیسی بسپارید. برای پزشک دعا کنید خدا به او کمک کند که بداند چه کاری برای شما انجام دهد.

از خدا بخواهید به شما کمک کند که شجاع باشید. می توانید با یکی از نویسندگان کتاب مقدس همراه شده و بگویید: “هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت” (مزمور ۵۶: ۳).

شاید می باید به دکتر یا پرستار بگویید که چطور خدا به شما کمک می کند تا شجاع باشید.

شاید قادر باشید شخص دیگری را که ترسیده است، دلگرم کنید. چه برای چند روز در بیمارستان باشید یا اینکه برای مدت طولانی تری در بیمارستان بمانید، خدا در آنجا با شما خواهد بود. می توانید به او اعتماد کنید که به شما کمک می کند و از شما مراقبت بعمل می آورد!

چرا حتی در بیمارستان نیز می توانید به خدا اعتماد کنید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خداوند عزیز، متشکرم که همه چیز را درباره بدن من می دانی، به من کمک کن تا حتی وقتی که به بیمارستان می روم، شجاع باشم. در نام عیسی. آمین.





## آیا دل‌تنگ شدن برای کسی که می‌میرد، اشکالی دارد؟

و تمام اندیشه‌های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می‌کند. (اول پطرس ۵: ۷)



پدر بزرگ حمید مرد. حمید برای او بسیار دل‌تنگ شده است. وقتی حمید به تمام خاطرات قشنگی که با پدر بزرگش داشت، فکر می‌کرد، چشمانش پر از اشک شد. وقتی که یکی از عزیزان تان می‌میرد، این طبیعی است که غمگین شوید. گریه کردن شما نیز طبیعی است. خدا می‌داند که شما چه احساسی دارید.

شما دل‌تنگ خواهید بود و شاید از خود بپرسید که چرا آن شخص مرد. خدا تمام روزهای ما را طراحی کرده است. او می‌داند که چه زمانی بدنیا می‌آییم. او می‌داند که هر کسی چه زمانی می‌میرد. کتاب مقدس می‌گوید: “موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانبهاست” (مزمور ۱۱۶: ۱۵).

شخص مقدس کسی است که عیسی را به عنوان نجات دهنده خود می‌شناسد. وقتی چنین شخصی می‌میرد، می‌رود تا با عیسی خداوند باشد. اگر عیسی را به عنوان نجات دهنده خود می‌شناسید، روزی دوباره آن شخص را در آسمان (بهشت) خواهید دید. می‌توانید مطمئن باشید که او در آسمان (بهشت) شاد است و در آرامش به سر می‌برد. ممکن است مطمئن نباشید که آیا شخصی که مرده، عیسی را می‌شناخته است یا نه.

می‌توانید به خدا اعتماد کنید، چون خدا از این مسئله آگاه است. خدا همواره کاری را که درست و منصفانه است، انجام می‌دهد.

درباره احساس تان با خدا صحبت کنید. خدا پدر آسمانی شما است. او می‌تواند وقتی که غمگین هستید، به شما آرامش بدهد. آیا دانستن این موضوع عالی نیست که می‌توانید این مشکل را به عیسی بسپارید؟

یک خاطره خوب از کسی که مرده است را بنویسید.



### می‌توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، خوشحالم که وقتی یکی از عزیزانم می‌میرد، تو از احساس من آگاهی. به من کمک کن تا خاطرات خوبی را که با آن شخص داشتم، بیاد آورم. در نام عیسی. آمین





## چرا پدر و مادر م همیشه بر سر من فریاد می کشند؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



مادر نسرین بسیار عصبانی بود و همیشه فریاد می زد. نسرین می دانست که مادرش به سختی کار می کرد و همواره نگران پرداخت هزینه ها و قبض های مختلف بود. نسرین می دانست که داد و فریاد مادرش، تقصیر او نیست، اما این اخلاق مادرش احساس بدی را در نسرین ایجاد می کرد. بعضی وقت ها نسرین از این اخلاق مادرش عصبانی می شد. شاید شما هم مادر یا پدری داشته باشید که زیاد بر سر شما فریاد می زند. شاید حتی والدین تان از کلمات زشت نیز استفاده کنند. شما اصلا مقصر نیستید. این طبیعی است که شما احساس بدی داشته باشید یا حتی عصبانی شوید. حتی وقتی والدین تان بر سر شما فریاد می زنند، باز هم خدا می تواند به شما کمک کند تا آنها را دوست بدارید. زمانی که همه چیز آرام است، نزد والدین تان بروید و با آنها درباره این مسئله صحبت کنید. به آنها بگویید که فریادهای شان چه احساسی را در شما ایجاد می کند. شاید آنها نمی دانند که با این کار باعث آزار شما می شوند. مطمئن شوید وقتی که آنها از شما درخواستی می کنند، از آنها اطاعت کنید. شاید از آنها سوال کنید که آیا کار دیگری می توانید انجام دهید تا مشکلات شان کمتر شود.

سعی کنید بیشتر اوقات برای والدین تان دعا کنید. شاید لازم است که آنها به عیسی به عنوان نجات دهنده شان اعتماد کنند، تا بدین ترتیب عیسی آنها را از درون تغییر دهد. بیاد بیاورید که خدا همه چیز را درباره خانواده تان می داند. مشکلات خانواده تان را به خداوند عیسی بسپارید. می توانید به او اعتماد کنید که به شما کمک می کند.

چطور می توانید به والدین تان نشان دهید که آنها را دوست دارید؟



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر والدینم از تو سپاسگزارم. به من کمک کن تا در رابطه با آنها صبور باشم. کمک کن تا به آنها محبت و مهربانی نشان دهم. در نام عیسی. آمین





آیا اگر والدینم طلاق بگیرند، خدا با من خواهد بود؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



داشتن والدینی که از همدیگر طلاق گرفته اند، مشکل بزرگی برای بسیاری از بچه ها می باشد. فکر کردن به این که اعضای خانواده تان با همدیگر نباشند، ترسناک است. خیلی ناراحت کننده است اگر یکی از والدین شما خانه را ترک کرده و در جای دیگری زندگی کند. اما خدا همه چیز را درباره این موضوع می داند. او می تواند در هر موقعیت سختی - حتی طلاق والدین تان، به شما کمک کند. می توانید این مشکل بزرگ را به عیسی خداوند بسپارید.

چیزی که باید بدانید، این است که طلاق گرفتن والدین تان، تقصیر شما نیست. دلایل زیادی وجود دارد که تعدادی از والدین دیگر نمی توانند با یکدیگر زندگی کنند. طلاق، تصمیم انسان های بالغ است. نیازی نیست که شما احساس تقصیر کنید. اگر والدین تان طلاق می گیرند، از خدا بخواهید که به شما طرز فکر مناسبی در باره این موضوع بدهد. لازم است که شما، هم پدر و هم مادرتان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید. آنها در طول این زمان درد ناک به محبت شما به شکل خاصی نیاز دارند. برای والدین تان دعا کنید. اگر آنها عیسی را به عنوان نجات دهنده خود نمی شناسند، از خدا بخواهید به آنها کمک کند تا درک کنند که به او نیاز دارند. از خدا بخواهید تا روابط بین اعضای خانواده تان را بهبودی ببخشد. همچنین از خدا بخواهید کمک کند که به او توکل کنید. خدا در هر کجا که زندگی کنید، با شما خواهد بود. او می داند که چه اتفاقی در خانواده شما واقع می شود. او پدر آسمانی شما است و همواره از شما مراقبت خواهد کرد.

وقتی والدین تان می خواهند طلاق بگیرند، چطور می توانید به آنها کمک کنید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که همواره از من مراقبت می کنی. کمک کن بدون توجه به هر اتفاقی که واقع می شود، پدر و مادر خود را دوست بدارم. در نام عیسی. آمین





## آیا خدا کمک می کند تا با نامادری خود و فرزندانش رابطه خوبی داشته باشیم؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



وقتی پدر و مادر سعید از هم طلاق گرفتند، سعید بسیار غمگین شد. سعید و خواهرانش با پدرشان زندگی می کردند. دو سال بعد پدر سعید، با زنی که دو تا بچه داشت، ازدواج کرد. حالا سعید یک نامادری و دو برادر ناتنی داشت. وقتی نامادری سعید به او کاری می داد، سعید از این موضوع ناراحت می شد. او می خواست فریاد بزند: “تو مادر من نیستی”. سعید نگران بود که پدرش پسرهای جدید خود را بیشتر از او دوست داشته باشد. آیا شما نیز در خانواده ای شبیه خانواده سعید زندگی می کنید؟ شاید شما هم گاهی مانند سعید فکر می کنید. این طبیعی است که وقتی کسی جای والدین تان را می گیرد، عصبانی شوید. عادت کردن به برادران و خواهران جدید دشوار است. به یاد داشته باشید که خدا همه چیز را کنترل می کند و او همه چیز را می داند.

او همه چیز را درباره خانواده جدید تان می داند. او اجازه داده است تا ناپدیری یا نامادری تان مسئولیت شما را بر عهده داشته باشد. از خدا بخواهید تا در محبت کردن و احترام گذاشتن به ناپدیری یا نامادری تان رشد کنید. از او بخواهید به شما کمک کند تا با برادران ناتنی یا خواهران ناتنی خود کنار بیایید و رابطه خوبی با آنها داشته باشید.

خدا اجازه داد تا آنها اعضای خانواده شما باشند. ببینید که آنها انجام چه کاری را دوست دارند. شاید شما از انجام این کارها با یکدیگر لذت ببرید.

این مشکل را به عیسی خداوند بسپارید. او می تواند به شما کمک کند یاد بگیرید که چطور خانواده ناتنی خود را دوست بدارید.

چیزهایی که درباره پدر یا مادر یا خواهران یا برادران ناتنی خود دوست دارید را بنویسید.



---

### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، محبت خود را در قلب من بگذار تا خانواده جدید خود را دوست بدارم. به من کمک کن تا از والدین ناتنی خود اطاعت کنم و رابطه خوبی با برادران یا خواهران ناتنی خود داشته باشم. در نام عیسی. آمین



## اگر کسی بدن مرا با نیت بد لمس کرد، آیا باید به کسی بگویم؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



خدا بدن شما را به شکل شگفت انگیزی آفریده است. او شما را طوری آفریده تا از لمس کردن بعضی از قسمت های بدن تان لذت ببرید. شاید در هنگام پیاده روی از گرفتن دست پدرتان در دست خود یا از در آغوش کشیدن مادرتان پیش از رفتن به رختخواب لذت می برید. بعضی از قسمت های بدن شما نباید به وسیله دیگران لمس شود. خدا این قسمت ها را آفریده تا زمانی که ازدواج کردید، از آنها لذت ببرید. خدا می خواهد تا آنوقت مواظب باشید و اجازه ندهید که این قسمت های خصوصی بدن تان، توسط کسی به اشتباه لمس شود. اگر کسی این قسمت های بدن تان را لمس می کند، لازم است که این موضوع را به یک شخص بالغ بگویید. شاید کسی که بدن تان را این گونه لمس می کند به شما بگوید که این موضوع یک راز است، اما شما باید این موضوع را به شخص بالغ دیگری بگویید. درباره این مشکل با خدا صحبت کنید. از خدا بخواهید تا به شما جرات دهد که این موضوع را به شخص بالغی بگویید. شاید بتوانید این موضوع را به پدر یا مادر تان، معلم تان، کشیش کلیسا یا شخص بالغ دیگری که به او اعتماد دارید، بگویید. ممکن است احساس خجالت کنید، اما این قضیه تقصیر شما نیست. کسی که شما را اینطوری لمس می کند، کار اشتباهی انجام می دهد. اگر به عیسی به عنوان نجات دهنده خود ایمان دارید، خدا می گوید که بدن شما، هیكل یعنی جایی که روح القدس در آن زندگی می کند، می باشد (اول قرنثیان ۶: ۱۹-۲۰). او می خواهد شما با بدن تان او را جلال دهید. اجازه ندهید هیچ کس از بدن تان به روش اشتباهی استفاده کند.

وقتی کسی بدن شما را به روش اشتباهی لمس می کند، چه کار باید بکنید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که بدن من را به نحو مخصوصی ساختی. به من جرات بده تا اگر کسی بدن مرا به روش بدی لمس کرد، درباره این موضوع با یک فرد بالغ صحبت کنم. در نام عیسی. آمین



## وقتی در خانواده من خشونت وجود دارد، آیا خدا اهمیت می دهد؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



پدر فرزانه زیاد مشروب می خورد و عصبانی می شود. او مادر فرزانه را کتک می زند، بعضی وقت ها او فرزانه را نیز می زند. فرزانه نمی خواهد کسی از این موضوع مطلع شود. او بلوزهای آستین بلند می پوشد، تا جای کوفتگی یا زخم بدنش پوشیده باشد. فرزانه فکر کرد که باید این موضوع را به کسی بگوید.

اما او نگران بود که پدرش را عصبانی تر کند. فرزانه به عیسی مسیح خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان دارد. او مشکل خود را به عیسی سپرد. او درباره پدرش با عیسی صحبت کرد. فرزانه می دانست که عیسی برایش اهمیت قائل است. خدا به فرزانه جرات داد تا درباره رفتار پدرش با معلمش صحبت کند. معلم به فرزانه گفت که او مقصر نیست که پدرش به او آزار می رساند. معلم برای خانواده فرزانه راه کمک پیدا کرد.

اگر شما هم در خانواده ای مانند خانواده فرزانه زندگی می کنید، شاید فکر کنید که هیچ کسی برای شما اهمیت قائل نیست، ولی خدا برای شما اهمیت قائل است.

آیا آنچه را که درباره یوسف (درس ۳۴) یاد گرفتید، به خاطر دارید؟

هر چند مردم کارهای شیرانه علیه شما انجام می دهند، اما خدا می تواند این اتفاقات را به خیریت شما به پیش ببرد (رومیان ۸: ۲۸).

خدا می خواهد شما مشکلات و نگرانی های خود را به او بسپارید. او می تواند به شما جرات بدهد تا اتفاقاتی را که برای شما می افتد، به شخص بالغی بگویید.

اگر در چنین خانه ای زندگی می کنید، سعی نکنید این موضوع را پنهان کنید. به کسی بگویید و اجازه دهید آن شخص به شما کمک کند.

اگر کسی در خانه تان به شما آزار و اذیت می رساند، چه کاری می

توانید انجام دهید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که به من اهمیت می دهی. لطفاً به من جرات بده تا اگر در خانه مورد آزار و اذیت قرار گرفتم، با کسی درباره این موضوع صحبت کنم. در نام عیسی. آمین



## اگر خانواده من خانه نداشته باشد، آیا خدا به من اهمیت می دهد؟

و تمام اندیشه های خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند. (اول پطرس ۵: ۷)



آیا تا به حال دیده اید که یک پرنده لانه می سازد؟ او از شاخه های کوچک گیاهان و علف ها استفاده می کند تا لانه خود را محکم و امن بسازد. خدا نیز شما را با چنین نیازی برای داشتن یک محل زندگی امن آفریده است. اما بچه هایی وجود دارند که خانواده شان، خانه ای برای سکونت ندارد. بعضی اوقات آنها به همراه دیگر افراد بی خانمان در یک پناهگاه زندگی می کنند. بعضی ها در ماشین خود یا حتی در خیابان ها زندگی می کنند. آیا خدا می داند یا اهمیت می دهد که شما در چه محلی زندگی می کنید؟ بله، او اهمیت می دهد. بعضی وقت ها شرایط زندگی، حتی برای خانواده های مسیحی نیز خوب به پیش نمی رود. ممکن است یکی از والدین، شغل خود را از دست بدهد یا بیمار شود. شاید پول کافی برای پرداخت اجاره یک خانه نداشته باشند. خدا از هر آنچه که در زندگی فرزندان شما اتفاق می افتد، آگاه است. او هرگز متعجب نمی شود. او همواره در حال پیش بردن نقشه عالی خود در زندگی شما است. این نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که می توانید به عیسی خداوند بسپارید.

او می خواهد نیازهای تان را به حضور او بیاورید و به او اعتماد کنید. ممکن است خانواده شما بی خانمان باشد، اما همچنان یک خانواده هستید. با پدر آسمانی خود صحبت کنید. در باره نیازهای تان به او بگویید و به او اعتماد کنید که به شما کمک می کند. ممکن است او شغلی برای خانواده تان فراهم سازد. شاید او کسی را برای کمک کردن به خانواده تان بفرستد. هر آنچه او انتخاب می کند که برای شما انجام دهد، نیکو و درست است.

دعایی بنویسید و در آن از خدا به خاطر اهمیتی که برای خانواده شما قائل است، تشکر و قدر دانی کنید.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، خوشحالم که همه چیز را درباره من و خانواده ام، می دانی. متشکرم که هر روز به ما اهمیت می دهی و از ما مراقبت می کنی. در

نام عیسی. آمین





زیرا خداوند می‌گوید: فکرهايي را که برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)

آیا تا بحال روی یک صندلی نشسته اید؟ آیا اول صندلی را بررسی کردید که ببینید سالم است و می‌تواند شما را نگه دارد؟ نه! احتمالا حتی به این موضوع فکر هم نکردید. حالا پاهای تان را از روی زمین بلند کنید.

حالا تمام وزن تان را روی صندلی قرار دهید و فقط به صندلی اعتماد کنید تا شما را کاملا نگه دارد. شما به صندلی ایمان دارید.

کتاب مقدس می‌گوید: “لیکن بدون ایمان، تحصیل رضامندی او محال است، زیرا هر که تقرب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد” (عبرانیان ۱۱: ۶).

ایمان به خدا به این معناست که بدون سوال پرسیدن، آنچه را که خدا می‌گوید، باور کنیم و مطابق آن عمل نماییم.

یعنی کاملا به خدا اعتماد نماییم. وقتی عیسی مسیح خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می‌پذیرید، ایمان تان را بر او استوار می‌سازید.

حالا که مسیحی هستید، خدا می‌خواهد همچنان به او ایمان داشته باشید. شما برای اداره کردن سختی‌هایی که وارد زندگی تان می‌شود، به ایمان نیاز دارید تا به نقشه خدا اعتماد کنید.

فصل ۱۱ کتاب عبرانیان، لیست افرادی که در ایمان به خدا قهرمان بودند را ارایه می‌دهد. آنها درست مانند من و شما بودند. خدا درباره آنها به ما می‌گوید تا ما را تشویق نماید که به او ایمان داشته باشیم.

خدا به شما وفادار است. می‌توانید به او ایمان داشته باشید.

این جمله را کامل کنید: ایمان به خدا برای من، یعنی.....



### می‌توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که به من وفادار هستی. به من کمک کن تا در هر چیزی در زندگی‌م به تو ایمان داشته باشم. در نام عیسی. آمین





## چرا باید به خدا اعتماد کنم؟

زیرا خداوند می‌گوید: فکری را که برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)



آیا تا به حال اسکناس یک دلاری آمریکا را دیده اید؟ این کلمات مهم بر روی آن نوشته شده است، “به خدا اعتماد داریم”. زنان و مردانی که کشور آمریکا را بنیان گذاری کردند، می‌دانستند خدا لایق اعتماد می‌باشد.

خدا شایسته اعتماد و ایمان ما می‌باشد. چیزهای زیادی در دنیا وجود ندارد که قابل اعتماد باشد. چیزهایی که می‌خرید در نهایت پاره یا فرسوده می‌گردند. حتی اشخاصی را که دوست دارید، همیشه شایسته اعتماد شما نیستند. اما خدا همیشه قابل اعتماد است. خدا قابل اعتماد است، چون هرگز نمی‌تواند دروغ بگوید. او همواره به عهدش وفا می‌کند.

و همچنین قدرت دارد تا آنچه را که می‌گوید، انجام دهد. وقتی خدا می‌گوید که نگرانی‌های خود را به او بسپارید، چون برای شما اهمیت قائل است، می‌توانید به او اعتماد کنید. وقتی خدا می‌گوید: “فکری را که من برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم”، می‌توانید به او اعتماد کنید. خدا همواره وفادار و امین بوده تا آنچه را که می‌گوید، انجام دهد. کتاب مقدس می‌گوید: “... و اعتراف امید را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده دهنده (خدا) امین است” (عبرانیان ۱۰: ۲۳).

هر اتفاقی که بیافتد می‌توانید به خدا اعتماد کنید. او همه چیز را درباره زندگی تان می‌داند و می‌توانید به او اعتماد کنید. نگران نباشید. شک نکنید. به خدا که قابل اعتماد است، توکل نمایید.

دو دلیل بنویسید که می‌توانید به خدا اعتماد کنید:



---

### می‌توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که تو قابل اعتماد هستی. به من کمک کن تا هر روز بیشتر به تو اعتماد کنم. در نام عیسی. آمین



زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)

مرد جوانی به نام داوود مشکل بسیار بزرگی داشت! کتاب مقدس درباره مرد عظیم الجثه ای به نام جلیات صحبت می کند، که با فریادهایش سپاه اسرائیل را تهدید می کرد. او خدای زنده و حقیقی را مسخره می کرد. همه اسرائیلی ها، حتی خود پادشاه هم ترسیده بود! وقتی داوود سخنان شیرانه جلیات را شنید، عصبانی شد. او نزد شائول پادشاه رفت و گفت که با این مرد مبارزه خواهد نمود. داوود یک سرباز ورزیده و قوی نبود. او بسیار جوان بود.



چطور می توانست با چنین دشمن بزرگی مبارزه کند؟ داوود می دانست که نمی تواند بر جلیات پیروز شود، اما می دانست که خدا می تواند این کار را انجام دهد. داوود به پادشاه گفت که وقتی از گوسفندان پدرش مراقبت می کرد، یک شیر و بعد یک خرس به گله حمله کردند. خدا به داوود کمک کرد تا آن شیر و خرس را بکشد.

آنوقت داوود گفت: “... خداوند که مرا از چنگ شیر و از چنگ خرس رهانید، مرا از دست این فلسطینی ها خواهد رهانید” (اول سموئیل ۱۷: ۳۷).

وقتی مشکلی دارید می توانید همان کاری را انجام دهید که داوود کرد. به مشکلاتی فکر کنید که خدا قبلاً در حل آنها به شما کمک کرده است.

به این فکر کنید که خدا بسیار قابل اعتماد، وفادار و امین است. آنوقت به خدا اعتماد کنید تا دوباره به شما کمک کند. او این کار را برای داوود انجام داد! داوود با کمک خدا این مرد عظیم الجثه فلسطینی را کشت. اگر به خدا اعتماد کنید، او نیز به شما کمک خواهد کرد.

درباره مشکلی بنویسید که خدا در حل آن به شما کمک کرد.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر کمک هایی که در گذشته به من کردی، از تو سپاسگزارم. متشکرم که در تمامی مشکلات، حتی در مشکلات خیلی بزرگ، می توانم به تو اعتماد کنم. در نام عیسی. آمین





## آیا اگر دعا کنم، خدا مشکلات را متوقف می سازد؟

زیرا خداوند می گوید: فکرهایی را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)



اغلب اوقات وقتی مردم دعا می کنند، خدا مشکلات را متوقف می سازد، اما خدا همیشه اینگونه عمل نمی کند. مردی به نام پولس در کتاب مقدس مشکل بزرگی داشت. احتمالاً این مشکل یک بیماری دردناک جسمانی بود. این مشکل هر چیزی که بود، پولس می خواست از آن رهایی یابد.

پس او دعا کرد، نه یک بار یا دو بار، بلکه سه بار! هر بار پولس از خدا خواست تا مشکل او را بر طرف سازد (دوم قرننیان ۱۲: ۷-۸). خدا به دعای پولس جواب داد، اما نه به روشی که ممکن است فکر کنید. خدا به پولس گفت: “فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف تو کامل می گردد” (دوم قرننیان ۱۲: ۹). چون قدرت خدا در ضعف های ما به بهترین شکل به نمایش در می آید، پاسخ خدا به پولس، “نه” بود.

او اجازه داد تا مشکل پولس ادامه یابد. خدا خواست تا با دادن قدرت به پولس در تحمل این مشکل، فیض خود را در زندگی او نشان دهد.

شاید وقتی دعا کنید، خدا مشکل تان را حل کند، اما بعضی وقت ها خدا می خواهد به شما فیض دهد تا آن مشکل را تحمل نمایید. او می خواهد که زندگی شما باعث جلال و تمجید او شود. در مواقع زیادی در سختی ها و رنج ها این موضوع به بهترین شکل ممکن تحقق می پذیرد.

وقتی دیگران می بینند که چگونه خدا به شما قوت می دهد تا به او اعتماد کنید، آنها خدا را می ستایند.

شاید آنها تشویق شوند که در مشکلات شان به خدا اعتماد کنند.

چرا خدا همیشه مشکل شما را از سر راه تان بر نمی دارد؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که می توانم قوت تو را داشته باشم تا مشکلات را تحمل کنم. کمک کن تا حتی در رنج ها نیز به تو توکل کنم. در نام عیسی آمین





## چگونه می توانم در سختی ها، از خدا سپاسگزاری کنم؟

زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)



شاید هیچ مسیحی مانند یکی از پیروان عیسی به نام پولس رنج نکشیده باشد. در دوم قرن بیان ۱۱: ۲۳-۲۳، پولس درباره بسیاری از سختی های زندگی خود صحبت می کند.

اغلب پولس به خاطر صحبت درباره عیسی به زندان افکنده می شد. او بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

او از کشتی شکستن ها رنج برد و بارها در دریاهای آزاد در خطر غرق شدن قرار گرفت. او مورد حمله راهزنان قرار گرفت. او به دروغ به انجام کارهای اشتباه محکوم شد. زندگی او دائماً در خطر بود. پولس در اواخر عمرش در سیاهچال های سرد و تاریک به زنجیر کشیده شده بود. در نهایت او به خاطر مسیحی بودن به مرگ محکوم شد. آیا پولس شکایت کرد و برای خود متأسف بود؟

نه، او از خدا سپاسگزار بود! پولس در زندان تاریخش این سخنان را نوشت: “در خداوند دائماً شاد باشید...” (فیلیپیان ۴: ۴). پولس چگونه می توانست شاد باشد؟ او می دانست که خدا همه چیز را کنترل می کند. او بدون توجه به اتفاقات اطرافش، به خدا اعتماد داشت. شما چگونه؟ آیا شما نیز حتی در سختی ها سپاسگزار خدا هستید؟ تسلیم شکایت کردن، گله کردن و متأسف شدن برای خودتان نشوید.

در عوض سپاسگزار باشید، چگونه؟ تمام چیزهایی که خدا برای شما انجام داده است را به یاد آورید. از او تشکر کنید که همه چیز را تحت کنترل خود دارد و برای کمک به شما آماده است.

شعر کوتاهی بنویسید. در این شعر از خدا سپاسگزاری نمایید که در موقعیت های دشوار به شما کمک می کند.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که همیشه حتی در سختی ها با من هستی و به من کمک می کنی.  
در نام عیسی. آمین



## با کسانی که به من آزار رسانده اند، چه رفتاری باید داشته باشم؟

زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امید بخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)



آیا تا بحال خواسته اید از کسی که باعث آزار شما شده است، انتقام بگیرید؟ این یک واکنش طبیعی است. اما احساساتی که از عصبانیت ناشی می شود، وقتی در دل ننگه داشته شود، به کینه و تنفر تبدیل می شود. کینه و تنفر می تواند شما را از لحاظ جسمانی بیمار سازد. به جای عصبانیت و تنفر، باید بخشش داشته باشید. بخشش، یعنی اینکه اجازه دهید عصبانیت و میل شدید به انتقام در شما از بین برود. کتاب مقدس می گوید: “شما باید دیگران را ببخشید و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید، چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است” (افسیسیان ۴: ۳۲). به تمام چیزهایی در زندگی خود ببینید که خدا شما را به خاطر آنها آمرزیده است. گناه شما به خدا، بدتر از هر چیزی است که یک شخص می تواند علیه شما انجام دهد. اگر فرزند خدا هستید، او تمامی افکار، کلمات و اعمال بدتان را بخشیده است. خدا شما را ببخشید، چون پسر کاملش (بی گناهش)، یعنی عیسی مسیح مجازاتی که شما مستحق آن بودید را به جای شما متحمل شد!

بخشیدن دیگران می تواند سخت باشد، اما عیسی خداوند گفت که فقط وقتی خدا شما را خواهد بخشید که شما نیز مایل باشید دیگران را ببخشید (متی ۶: ۱۴-۱۵).

شاید آزاری که به شما رسیده است را نتوانید فراموش کنید، اما می توانید تصمیم بگیرید که کسی که به شما آزار رسانده است را ببخشید. آیا نسبت به کسی عصبانی هستید؟ این موضوع را به خدا اعتراف کنید و از او بخواهید تا به شما کمک کند که آن شخص را ببخشید.

چرا برای شما مهم است که دیگران را ببخشید؟



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که تمامی گناهان مرا بخشیدی. به من کمک کن تا کسانی که به من آزار رسانده اند را ببخشم. در نام عیسی. آمین





## مقاوم بودن به چه معناست؟

زیرا خداوند می گوید: فکرهایی را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی، تا شما را در آخرت امیدبخشم. (ارمیا ۲۹: ۱۱)



آیا شما شخصی هستید که وقتی اوضاع سخت و دشوار می شود، از انجام کارتان دست می کشید.

چنین شخصی فوراً دلسرد می شود و فکر می کند که آن کار هرگز به پایان نمی رسد. به جای دست از کار کشیدن، خدا می خواهد که در انجام کارتان استوار و مقاوم باشید.

مقاوم بودن، یعنی اینکه دوره سختی را تحمل نمودن و دست نکشیدن از ایستادگی. کتاب مقدس درباره مردی بنام نحمیا صحبت می کند.

خدا کار بزرگی به او محول کرد. دیوار اطراف شهر اورشلیم توسط دشمنان خراب شده بود. نحمیا مسئولیت یافته بود تا این دیوار عظیم را بازسازی کند.

وقتی نحمیا شروع به انجام این کار کرد، مشکلات زیادی بر سر راهش قرار گرفت. نحمیا با ترس و ناامیدی روبرو شد، اما آنقدر مقاوم کرد تا ساخت دیوار به پایان رسید! در زندگی شما نیز زمان های سختی وجود خواهد داشت که وسوسه می شوید تا دست از انجام کاری که می کنید، بکشید.

شاید برای خود تأسف بخورید و بگویید که مسیحی بودن بسیار دشوار است. اما خدا می تواند به شما استقامت بدهد. خدا نقشه های شگفت انگیزی برای شما دارد. خدا می خواهد فقط به او اعتماد کنید تا این نقشه ها را در زندگی شما به پیش ببرد. ناامید و دلسرد نشوید. به سادگی دست از کار نکشید.

همچنان مقاومت کرده و ادامه دهید! خدا می گوید: "لیکن از نیکوکاری خسته نشویم، زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد، اگر ملول نشویم" (غلاطیان ۶: ۹).

این جمله را کامل کنید: این هفته در انجام..... مقاوم خواهم بود.



### می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا در سختی ها وقتی که احساس می کنم باید دست از ادامه کار بکشم، همچنان مقاوم باشم. در نام عیسی. آمین

